



فهرست مطالب

- ۲..... تغییر قدرت در کاخ سفید و تکاپوی اپوزیسیون خودفروخته!
- ۳..... سخنی کوتاه در مورد قمارخانه بورس و خالی کردن جیب مردم
- ۴..... بازار توطئه و رقابت و شایعات بر سر واکسیناسیون داغ است!
- ۷..... بیانیه احزاب و سازمان‌های کارگران غرب و جنوب آسیا
- ۹..... بمناسبت ۶ بهمن، سی و نهمین سالگرد جانباختن رفیق عباس گودرزی (علی).....
- ۱۰..... اخبار و گزارشات کارگری دیماه ۱۳۹۹.....
- ۱۹..... ترامپ استثناء نیست، محصول وضعیت کنونی جهان و آمریکاست.....
- ۲۲..... پیرامون واکسن کرونا و تئوریسین‌های «توطئه».....
- ۲۴..... «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون!».....
- ۲۵..... بیانیه ۴۸ شکل دانشجویی پیرو مطالبه واکسن رایگان و حق بر سلامت عمومی.....
- ۲۶..... سخنی با جوانان.....
- ۲۷..... اینهمه هیاهو برای چیست؟.....
- ۸۲..... متن بیانیه پایانی تجمع ۷ بهمن ۱۳۹۹.....
- ۲۹..... بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون واکسن کرونا و مطالبه واکسیناسیون فوری و فراگیر.....
- ۲۹..... همبستگی سراسری با مطالبات کارگران هفت تپه و ختنی کردن توطئه‌های مستمر رژیم اسلامی و.....
- ۳۰..... ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۳۱..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش.....
- ۳۲..... پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



تغییر قدرت در کاخ سفید و تکاپوی اپوزیسیون خودفروخته!

در حاشیه پیام تبریک «حسن شریعتمداری»

هیچ انتخاباتی در دنیا به اندازه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نتوانسته توجه افکار عمومی جهان را تا به این حد به خود جلب کند. حساسیت جامعه جهانی به نتایج انتخابات و ترکیب کابینه دولت آمریکا از اینروست که سیاست خارجی آمریکا، که اساساً از یک سیاست راهبردی معینی پیروی می‌کند و با آمدن و رفتن این یا آن وزیر، این و یا آن رئیس جمهوری در آن تغییر ماهوی بوجود نمی‌آورد، منافع رقابتی خود و ملل مستقل جهان را تابعی از خود ساخته است. البته در نحوه اجرا و تعیین اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا می‌تواند تفاوت‌هایی وجود داشته باشد، ولی این تفاوت‌ها تنها در شکل و نمودی از ماهیت سیاست و منافع استراتژیک آمریکا هستند.

«کامالا هریس» معاون «جو بایدن» هنوز مهر وزارت‌اش خشک نشده است، بر حمایت بی‌قید و شرط آمریکا از اسرائیل تأکید می‌کند و وعده می‌دهد که دولت بایدن - هریس در قبال تأمین امنیت اسرائیل متعهد خواهد بود و حمایت از امنیت اسرائیل را به تصمیمات سیاسی اتخاذ شده از سوی این رژیم، گره نمی‌زند. بنابر این اینکه چه کسی بر مسند امور می‌نشیند، به تنهائی تعیین‌کننده نیست، مهم تشخیص و تخصیص منافع هیأت حاکمه امپریالیسم آمریکاست. با توجه به اهمیت درک این مسأله می‌توان گفت که انتخابات در آمریکا نمی‌تواند بازتابی در روابط بین دول سرمایه‌داری نداشته باشد و از آن تأثیر نپذیرد. این جابجائی‌ها در دستگاه دولت آمریکا مسائل جهان و منطقه خاورمیانه را بالطبع تحت شعاع قرار می‌دهند. این اما تنها شامل

دولت‌ها نمی‌شود، بلکه مشمول گروه‌ها و دستجات اپوزیسیون وابسته در کشورهای مختلف نیز می‌گردد تا آنجا که از «خوآن گویادو»، سردسته مخالفان دولت قانونی ونزوئلا دعوت می‌شود تا در مراسم تحلیف «جو بایدن» شرکت کند «با هدف ادامه همکاری با متحد اصلی خود برای یک ونزوئلا آزاد». البته در این میان سر اپوزیسیون وابسته ایرانی بی‌کلاه ماند و هیچیک از افراد شاخص این اپوزیسیون مورد عنایت صاحبان جدید کاخ سفید قرار نگرفت، اگرچه مورد مهر و محبت خزانه‌داری آمریکا کماکان قرار دارند. این بخش از اپوزیسیون وابسته سیاست‌اش را در قبال حاکمیت ایران با سیاست و منافع آمریکا تنظیم می‌کند، لذا هرگونه تغییر و جابجائی در کاخ سفید می‌تواند سرنوشت این گروه‌ها را به نحوی رقم بزند. چاکرمنشی و چاپلوسی از خصائل بارز وطن‌فروشی است. تاریخ معاصر ایران از این عناصر زیاد به خود دیده است که روز را در صحن مجلس شورای ملی می‌گذرانند و شام را در حیاط سفارتخانه دولت فخیمه بریتانیای کبیر صرف می‌کردند. امروز نیز اینچنین است. در خلال پیام‌های تبریک دولت‌ها به «جو بایدن»، پیام تبریکی از سوی «حسن شریعتمداری»، دبیر کل «شورای مدیریت گذار از جمهوری اسلامی» به «جو بایدن» جلب نظر می‌کند. ببینیم محتوای این پیام چیست و از دولت «بایدن» چه انتظاری می‌رود!

«جو بایدن» در سخنرانی تحلیف خود بارها از «دموکراسی» و «حقوق بشر» به عنوان یک دست‌آورد دنیای پیشرفته غرب نام برد که گویا آمریکا وظیفه خود می‌داند تا از آن در سطح جهان صیانت کند. البته جهانیان نتیجه دفاع آمریکا از «حقوق بشر» را به خوبی تجربه کرده‌اند. کافی است که تنها به سرنوشت غم‌انگیز چهار کشور (افغانستان، عراق، لیبی و سوریه) در طی بیست سال گذشته نگاه کنیم تا متوجه شویم که ادعای «جو بایدن» و نه تنها او، واقعیت ندارد و هر آنچه او بر زبان می‌آورد، دروغ و تزویر و ریاست. ره‌آورد «دموکراسی» و «حقوق بشر» امریکائی برای این کشورها چیزی جز مرگ و ویرانی نبوده است. اما



سخنی کوتاه در مورد قمارخانه بورس و خالی کردن جیب مردم

برای تحلیل اوضاع پیش آمده پیرامون اخبار نوسانات بازار بورس و زیان شدید بسیاری از مردم، که به عنوان فعال غیر حرفه‌ای به یکباره از مبادی مختلف تشویق به سرمایه‌گذاری در این وادی گشتند، مقدمتاً تعریفی اجمالی از بورس لازم به نظر می‌رسد.

ظاهراً تالارهای بورس در سراسر جهان جایی برای معامله اوراق بهادار و سهام شرکت‌هاست، با این هدف که فعالین در این عرصه بتوانند از یکسو سرمایه لازم را برای تولید کسب کنند و از سوی دیگر با امکان مبادله آتی سهام با پول از بلوکه شدن نقدینگی در یک فرایند درازمدت تولیدی جلوگیری کنند. به عبارت ساده‌تر خریدار سهام این امکان را دارد که در یک شرایط رقابتی هر لحظه سهام مورد تملک را به فروش رساند و از این طریق با تحمل خسارتی اندک یا بهره‌مندی از سودی متعادل از خطر رسوب سرمایه خود در مقایسه با سرمایه‌گذاری در یک فرایند تولیدی با بازه زمانی طولانی مصون گردد. از سوی دیگر بنگاه‌های تولیدی نیازمند سرمایه می‌توانند با عرضه سهام خود در این بازار به سرمایه مورد نیاز دست یابند.

با این تعریف مختصر می‌توان گفت که مکانیزم فوق مانند سیستم بانکی و پولی یکی از اساسی‌ترین ادوات در توسعه جامعه سرمایه‌داری است. اما این تنها روی خوش ماجراست. رشد بنگاه‌های اقتصادی غیرمولد و صرفاً مالی در دهه‌های اخیر و به وجود آمدن انحصارات مالی در پی آن و نهایتاً جمع شدن ثروت‌های کلان در دست افراد معدود، باعث محدود و تا حدودی ناپدید شدن خصلت رقابتی سرمایه‌داری، آنطور که در دوران تولد و شکوفایی خود بود، شده است. از اینرو تمرکز

این واقعیت مانع از این نمی‌شود که «حسن شریعتمداری» سخنان «جو بایدن» را «جذاب و امیدبخش» تلقی نکنند. ایشان آنچنان مجذوب این دموکراسی خواهی آمریکا هستند که «برای برقراری دموکراسی و حقوق بشر در ایران» روی آمریکا حساب باز می‌کنند. «سخنان شما، بخصوص برای ما ایرانیانی که برای برقراری دموکراسی و حقوق بشر در ایران بر روی شما و مردم آمریکا حساب می‌کنیم، جذاب و امید بخش بود». حتی منافع استراتژیک امپریالیسم آمریکا را در ایران، که چیزی جز تسلط کامل بر حیات سیاسی، اقتصادی کشور ما نیست، آنرا «کاملاً» در راستای آرزوهای مردم ایران» ارزیابی می‌کند؛ و قصد دارد تا «بار دیگر ایالات متحده آمریکا را به متحد استراتژیک ایران تبدیل» کند (تأکید از - توفان الکترونیکی). این یعنی بازگشت به گذشته و روی گرداندن از رفتن به سوی پیش در جهت حفظ استقلال و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی که بدون آن، همه افزار لازم جهت پیشرفت، تعالی و سعادت مردم و کشور ما بدست نمی‌آید. با توجه به اینکه سال‌هاست سیاست آمریکا در قبال ایران بر تهدید و تطمیع استوار است، علی‌رغم این اپوزیسیون وابسته چندان دل خوشی از این سیاست یک پام و دو هوای دولت‌های آمریکا ندارد. البته دولت «ترامپ» با به اجرا درآوردن فشار حداکثری و تنظیم دوازده فرمان «پمپئو» این امید را در دل این بخش از اپوزیسیون زنده کرده بود و انتظار می‌رفت تا با وارد آوردن فشار بر مردم از طریق تحریمات سنگین و بی‌سابقه آنها را به کف خیابان بکشانند. این سیاست البته نتیجه نداد و هم‌اکنون یکبار دیگر فصل جدیدی از ترغیب و تحریض روابط بین ایران و آمریکا آغاز می‌شود که موجب نگرانی این بخش از اپوزیسیون شده است. روح این پیام برای مردم ایران چیزی جز بیان تسلیم و رضا، خاری و زبونی، پشت پا زدن به مبارزات مستقل آنها، روی گرداندن از توده‌ها - این تنها عامل تغییر و تحول جامعه ما - نیست.

آنچه که ما بر آن تأکید می‌کنیم این است که هرگونه تغییر و تحول در درون ایران باید به دست توده‌های مردم عملی گردد. این تحولات باید منافع آتی و آتی مردم و تساوی حقوق خلق‌های ایران را در چارچوب تمامیت ارضی کشور بازتاب دهد، استقلال کشور را تضمین و تأمین نماید، دموکراسی و عدالت اجتماعی را مستقر گرداند و آن را در بستر همبستگی با خلق‌های منطقه تعمیق بخشد. موفقیت چنین تحولی در گروهی چند عامل است یکم اینکه کمونیستها و نیروهای انقلابی و ترقیخواه بتوانند مشترکاً مبارزات مردم ایران را در یک بستر سالم سازمان دهند و آن را به سرانجام برسانند. دوم اینکه با امپریالیسم و صهیونیسم و جریان‌های تجزیه طلب و وابسته مرزبندی مشخص و جدی داشته باشند. در این میان بدون تردید پرولتاریای ایران تنها طبقه‌ای است که می‌تواند در نهایت اعتماد اقشار زحمتکش جامعه را از آن خود کند و نقش تعیین کننده‌ای تحت رهبری حزب سیاسی‌اش، حزب کار ایران (توفان) در سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید. •



بازار توطئه و رقابت و شایعات بر سر واکسیناسیون داغ است!

سخن هفته!

یکم، اخیراً «رهبر جمهوری اسلامی» طی سخنرانی ورود واکسن آمریکایی - انگلیسی را بدون نیاز و به صورت غیرعقلانی، که تنها به تبلیغات و شایعات دشمنان ایران دامن می‌زند، ممنوع اعلام کرده است. این حکم «رهبر»، که فاقد شفافیت و برای مردم نامفهوم و غیر قابل درک است، کمکی به حل معضل «ویروس کرونا» در ایران، که رژیم جمهوری اسلامی سد راه روش قرنطینه برای کاهش تأثیرات مخرب آن بود، نمی‌کند. این اقدام «رهبر جمهوری اسلامی» در زمانی صورت می‌گیرد که مطبوعات اروپائی در مورد اینکه آیا اساساً امکان دارد در اثر تحریم ایران این داروها حتی از «مجرای ابداعی انسانی کشور سوئیس» به ایران منتقل شود یا خیر به حدس و گمان نشسته‌اند. زیرا امکان پرداخت بهای این داروها از طریق ارتباطات بانکی مقدور نیست. حال چه نیازی به این گرد و خاک بوده است بر ما روشن نیست.

وی به صورت یک جانبه و بدون تعمق، که زمینه هرگونه سوء استفاده را فراهم می‌سازد، گفت: «ورود واکسن آمریکایی - انگلیسی به کشور ممنوع است. اگر آمریکایی‌ها می‌توانستند واکسن درست کنند، روزانه ۴۰۰۰ نفر تلفات کرونایی نداشتند. اگر فایزر می‌تواند واکسن درست کند، اول خودشان مصرف کنند تا این قدر فوتی نداشته باشند. انگلیس هم همین طور. اینها اگر واکسن بلد بودند درست کنند خودشان استفاده می‌کردند اینقدر کشته نداشته باشند. گاهی اینها می‌خواهند واکسن را روی ملت‌های دیگر امتحان کنند. به فرانسه هم به دلیل سابقه خون‌های آلوده خوش بین نیستم.» اینکه امپریالیست‌ها همواره کوشیده‌اند ابتدا داروهای خویش را روی مردم ممالک فقیر و توسعه نیافته «دنیای سوم» آزمایش کنند، امر جدیدی نیست. آنها تاکنون این کار را کرده و در

این دارایی‌ها و اشراف اطلاعاتی به مسائل پشت پرده بازارهای بورس به علاوه به خدمت گرفتن سیاستمداران و دستجات سیاسی، این امکان را به برخی می‌دهد که با ایجاد تقاضای کاذب و تشویق مردم به خرید سهام با اندک پس انداز خود در یک فرایند برنامه‌ریزی شده همان‌ته مانده پس انداز شده آنها را نیز، که با خون دل اندوخته‌اند، به یغما ببرند. نمونه‌های بارز آن را در بحران مالی سال ۲۰۰۷ آمریکا و همینطور بحران اخیر در ایران می‌توان مشاهده کرد.

در ایران نیز حکومت که جز تبلوری از طبقه سرمایه‌دار رانت‌خوار و نوکیسه غیرمولد ایران نیست و با اجرای سیاست‌های اقتصادی مخرب در سنوات اخیر کشور را هر چه بیش‌تر به درآمد حاصل از فروش منابع طبیعی علی‌الخصوص نفت متکی کرده، در شرایط تحریم و فشار خارجی، برای تأمین کسری بودجه و با انگیزه ربودن اموال مردم، آنها را ترغیب کرد تا در بورس سرمایه‌گذاری کنند و نهایتاً در یک فرایند از پیش برنامه‌ریزی شده یک شبه دارایی‌شان را به باد داد.

مالباختگان ۹۶ کسانی بودند که با سودهای کلان و غیرمتعارف زندگی و سرمایه خود را به دست مؤسسه‌های مالی و اعتباری داده بودند و معترضان ۹۹ باز هم فریب‌خوردگان همین سراب‌اند که این بار سرمایه‌شان را به دست بورس سپرده‌اند و آخرین ته‌مانده پس‌اندازشان بر باد رفت. بررسی‌ها نشان می‌دهند در ۹ ماهه سال جاری دولت در مجموع ۱۳ هزار و ۴۱۳ میلیارد تومان درآمد مالیاتی از نقل و انتقال سهام در بورس و فرابورس داشته و همچنین آنطور که «دژپسند» گفته است، دولت در نیمه اول امسال ۳۳ هزار میلیارد تومان درآمد از محل واگذاری سهام خود در شرکت‌های دولتی به دست آورده است.

به عبارت دیگر، دولت در ۹ ماهه امسال در مجموع ۴۶ هزار و ۴۱۳ میلیارد تومان درآمد از محل بورس داشته است. به این دزدی‌های «شرعی» بورس‌بازی و مناسبات انگلی باید پایان داد.

فارغ از طرح سؤال اساسی که اصلاً چرا مالکیت بنگاه‌های مولد اقتصادی نباید دولتی باشد و چرا دولت نباید به عنوان متولی اصلی اقتصاد منابع مالی این بنگاه‌ها را فراهم سازد و اصولاً چه نیازی به مکانیزم بورس و نظام بانکی بهره‌ای هست، باید حداقل از مدافعان اقتصاد نئولیبرال پرسید، نتیجه چهار دهه اجرای سیاست‌هایشان را چگونه توجیه می‌کنند؟ چرا هر بار که بحرانی از این دست روی می‌دهد، حضرات غیب‌شان می‌زند و امثال «صادق زیبا کلام»، «سعید لیلانز» و «قوچانی» به جای پاسخ‌گویی به مسائل روز در پی نظریه‌پردازی مستقیم و غیر مستقیم در اثبات لزوم یک دیکتاتوری نظامی رضاخانی برمی‌آیند. گویی اینها و اسلاف و اخلاف‌شان راه برون رفت از بحران کنونی را نه در عقب‌گرد از راهبردهای پیشین‌شان بلکه در سرکوب مردم به جان آمده جستجو می‌کنند.

انسان‌ها برای آنها اهمیت نداشت، کسب سود بر سر جان انسان‌ها برای آنها اهمیت داشت و دارد. به این جهت دست به کار شدند تا واکسن‌های خود را قبل از آزمایشات کامل تنها به صورت و با اجازه اضطراری و ویژه به بازار آورند و با قبول خطر روی مردم آزمایش کنند. به همین جهت یک بدگمانی عمومی در مورد تأثیر این واکسن‌ها هم اکنون در اروپا میان مردم موجود است.

طبیعی است که کیفیت این داروها با آزمایشات روزانه بر روی مردم هر روز بهبود می‌یابد و روزی خواهد رسید که بشریت قادر خواهد شد بر همه مشکلات ناشی از ابتلاء به این ویروس جلوگیری کند.

با گذشت نزدیک به یکسال از ظهور خطرناک «ویروس کرونا» و همه‌گیری جهانی آن، آزمایش‌های نسبتاً موفقیت‌آمیز واکسن مقابله با این ویروس از سوی چند شرکت داروسازی در اروپا، آمریکا، چین و روسیه امیدها برای پایان بحران را افزایش داده است. در همین حال، برخی نهادها از جمله ائتلاف مردمی واکسن نسبت به احتکار «واکسن کرونا» از سوی کشورهای ثروتمند هشدار داده و اعلام کرده‌اند این احتمال وجود دارد که تنها ۱۰ درصد از کشورهای فقیر در سال ۲۰۲۱ بخت برخورداری از «واکسن کرونا» داشته باشند. در حالی که مردم کشورهای جهان این خبر را به فال نیک گرفته و در انتظار دستیابی به این واکسن برای حفظ جان خود و اعضای خانواده‌شان هستند، برخی دولت‌ها برای در اختیار گرفتن آن وارد رقابت با یکدیگر شده‌اند و برخی نیز از این واکسن به عنوان ابزاری سیاسی برای تحت فشار قرار دادن مخالفان خود بهره می‌گیرند کشورهای ثروتمند با ۱۵ درصد جمعیت جهان تاکنون نیمی از تولید واکسن‌های در دست تهیه را پیش خرید کرده‌اند.

سوم اینکه دول امریالیستی و انحصارهای داروئی در پی رقابت و تولید واکسن‌های موثر هستند. این انحصارات باید در کنار کسب سود حداکثر به تأثیرات موثر این واکسن‌ها نیز بیاندیشند و گرنه نه تنها به زودی دست آنها رو خواهد شد و موجبات مرگ میلیون‌ها نفر را فراهم خواهند آورد که بدون واکنش مردم و حتی دولت‌ها نخواهد ماند خود این شرکت‌ها ورشکسته خواهند شد که باید این فاکتور را نیز در روند کسب سود حداکثر مورد ارزیابی قرار دهند. پس این حکم «رهبر»، که به صورت کیلویی و بدون تعمق و نیاز به موعظه نادرست می‌پردازد، فقط به نفع این شرکت‌ها و دول امریالیستی برای تمسخر حاکمان ایران بدل می‌شود.

اینکه این شرکت‌ها روز به روز تولیدات خود را با کیفیت بالاتر و بی‌نقص‌تر تولید می‌کنند، امری کاملاً روشن است و اینکه امکان این امر وجود دارد که واکسن‌های با کیفیت کم‌تر و یا فاسد شده را به ایران و سایر کشورها صادر کرده و بفروشند، منتفی نیست. نمی‌شود و نباید به این قصابان اعتماد کور داشت، ولی حکومتی که به فکر مردمش باشد، باید با

آینده هم خواهند کرد و حتی این نیت در مورد واکسن کرونا نیز منتفی نیست. اشاره به خون‌های فاسد فرانسوی مملو از «ویروس ایدز» و یا «هپاتیت سی»، که هزاران نفر را در دنیا و در درون ایران مبتلا کرد و کشت برای یادآوری ماهیت این جنایت‌کاران ضد بشر مناسب است. اما راست و دروغ را با هم مخلوط کردن که گویا آمریکا و اروپای پیشرفته قادر نیستند واکسن بسازند و یا اگر واکسن‌های آنها خوب بود این همه کشته‌کرونی نداشتند، از جهل رهبر جمهوری اسلامی سرچشمه می‌گیرد که نمی‌داند واکسن را با ورد و جادو خلق نمی‌کنند و تنها تولیدش به ده‌ها کارخانه در عرصه‌های گوناگون تولید و توزیع نیاز دارد. ما در مورد توزیع و نگهداری و تزریق آن و نیازهای تدارکاتی‌اش سخن نمی‌رانیم.

هم اکنون به علت این که آقای «دکتر تال زاکس» یهودی تبار که تحصیل کرده اسرائیل است، در رأس هیئت پزشکی کارخانه «مدرنا» Moderna قرار دارد، دولت صهیونیستی اسرائیل موفق شده است خارج از نوبت در سال گذشته در اوایل ماه دسامبر شش میلیون دوزهای واکسیناسیون از این کارخانه و هشت میلیون دیگر از کارخانه فایزر Pfizer خریداری کند که مجموعاً ۱۴ میلیون قوطی واکسن می‌شود. با توجه به اینکه اسرائیل تنها کم‌تر از ۹ میلیون جمعیت دارد، می‌توان حدس زد که اسرائیلی‌ها این داروها را برای فروش گران‌تر احتکار کرده‌اند و کسی از این ممالک «بشر دوست» به این جنایات صهیونیسم ایرادی ندارد.

در کنار «مدرنا» و «فایزر» شرکت «آسترازنکا»، شرکت سوئدی - انگلیسی هم در صدد بستن قرارداد با دولت اسرائیل هستند و این در حالی است که به علت کمبود این مواد امکان صدور آن به کشورهای دیگر در حجم بالا اساساً مقدور نیست.

اسرائیل، طبق اخبار منتشره، در حال حاضر روزی صد هزار نفر را واکسینه می‌کند و تلاش دارد که این ظرفیت را به دوست هزار نفر برساند. گفته می‌شود از این واکسن‌ها تعداد بسیار ناچیزی هم در اختیار مردم فلسطین قرار گرفته است، ولی دولت نژادپرست اسرائیل قول آن داده است که از ماه مارس واکسن را در اختیار همه آنها قرار دهد. سازمان ملل متحد به این تبعیض آشکار اعتراض کرده و گفته است که مسئولیت جان مردم کشور تحت اشغال به عهده کشور اشغالگر، یعنی دولت اسرائیل است!

دوم، برخی از کشورهای قدرتمند سرمایه‌داری امریالیستی جهان برای کسب سود بیش‌تر و برای ربودن گوی سبقت از رقبا در زمینه تولید واکسن و انجام سریع واکسیناسیون، به رقابت شدیدی دامن زده‌اند. هر کدام از آنها در بوق‌های تبلیغاتی خود می‌دمند که واکسن ما زودتر به بازار آمده و بهتر است. واقعیت این است که واکسن چینی و روسی قبل از واکسن آمریکائی - اروپائی به بازار آمد ولی امریالیست‌های غرب حاضر نشدند این واکسن را خریده، توزیع نموده و برای ممانعت از مرگ مردم‌شان آن را به آنها تزریق کنند زیرا جان

چهارم، سخن بر سر بی‌عیب و نقص بودن واکسن «فایزر» و «مدرنا» نیست، سخن بر سر ماهیت، غارتگرانه مالکان این شرکت‌ها و دول آمریکا و فرانسه و انگلیس... نیست، سخن بر سر سابقه جنگ جنایتکارانه آمریکا بر علیه ملت‌ها نیست، بحث بر سر نجات جان انسانهاست که دولت‌ها فوراً باید اقدام کنند و به وظیفه خود عمل نمایند. واکسن مشترک ایرانی - کوبائی هم که در جریان تولید است، گفته می‌شود زودتر از اواخر خرداد سال آینده به دست مردم نخواهد رسید، شاید هم دیرتر برسد. در این مورد طبق معمول سخنان ضد و نقیضی منتشر شده است. لذا نمی‌توان دست روی دست گذاشت و با فرمان ممنوعیت و با «جنبه جاسوسی و نفوذی و تخریب دادن» به واکسن آمریکایی - انگلیسی و یا هر واکسن دیگری افکار عمومی را بر ضد خود برانگیخت. حکومت ایران حتی اگر اعتمادی به واکسن آمریکا و اروپا ندارد نباید از ورود واکسن‌های ساخت سایر کشورها، که از ایران جلوترند، ممانعت به عمل آورد. بدون دانش و اطلاع رسانی روشن و شفاف و اعتمادسازی همگانی، مشکلی حل نخواهد شد. و یک نکته که برای پاسخ به عوام‌فریبان و ایران‌ستیزان و «ترامپ» و «بایدن»، پرستان باید به آن اشاره کرد، این است که تمام کشورهای جهان، که به تولید واکسن دست زده‌اند و سازمان بهداشت جهانی مجبور شده است علی‌رغم اعمال نفوذ انحصارات و کشورهای امپریالیستی مجازبودن داروی آنها را به رسمیت بشناسد، نظیر چین، روسیه، سوئد، فرانسه، و... ناچاراند حقوق و گواهی‌نامه صحت سلامتی متقابل را به رسمیت بشناسند. فرد چینی که واکسن چینی زده است و گواهی‌نامه مربوط به آن را از جانب وزارت بهداشت چین دریافت کرده است، مجاز است به همه ممالک جهان بدون کوچک‌ترین ممانعتی سفر کند و همین امر در مورد اتباع آمریکائی و اروپائی، که واکسن «مدرنا» و «فایزر» را تزریق کرده‌اند، صادق است. در «دهکده جهانی» نمی‌توان فقط یک نوع خاص واکسن انحصاری را شرط سفر و یا تجارت و روابط اقتصادی و سیاسی و ورزشی قرار داد. اگر این عامل مهم در ارزیابی‌ها مورد نظر قرار نگیرند، بسیاری از ممالک با مزوی کردن خویش در دریای «تئوری توطئه» غرق خواهند شد.

با توجه به نقطه نظرات فوق حزب ما از بیانیه‌های انجمن‌های علمی گروه پزشکی ایران، اتحادیه‌های کارگری، کانون‌های صنفی معلمان سراسر ایران و انجمن‌های صنفی بازنشستگان کشوری، که از مسئولان حکومتی خواستند تا با همکاری سازمان بهداشت جهانی ورود واکسن‌های مورد تأیید این سازمان به کشور را فراهم و واکسیناسیون فوری و سراسری را بطور رایگان آغاز نمایند، حمایت می‌کند و هر نوع بی‌توجهی و سهل‌انگاری حکومت بی‌کفایت جمهوری اسلامی نسبت به این امر حیاتی را قویاً محکوم می‌نماید.

حزب کار ایران (توفان) ۲۸ دی ماه ۱۳۹۹ •

شفافیت و بدون دروغ عمل کند. باید کمیسیونی از کارشناسان پزشکی، امنیتی، وزارت امور خارجه و ... تشکیل دهد و همه جانبه تصمیم اتخاذ کند. اگر ایران می‌خواهد واکسن چینی و یا روسی وارد کند که این واکسن‌ها نیز حتماً سالم بوده و برای کشتار یک میلیارد جمعیت چین اختراع نشده‌اند، باید آن را با استدلال به مردم ایران بگوید و نه اینکه از در عقب وارد شود. چینی‌ها و روس‌ها نیز می‌توانند واکسن‌های دور نخست تولید خود را به ما بفروشند و خودشان را از دست آنها خلاص کنند. حکومت جمهوری اسلامی ایران به جای تعمق و ارزش‌گذاری به جان مردم به آکسیونیسم دست زده، با شتاب تصمیم گرفته و بی‌حساب حرفی کرده است و بدون مشورت با پزشکان و کارشناسان اهل علم چه ایرانی و چه خارجی از جمله کارشناسان ممالک دوست و یا متحد، با دستپاچگی به ابراز نظر سیاسی پرداخته و فضای عمومی را علیه خود تحریک کرده است. بی‌تردید سید علی خامنه‌ای یا آلوده به تئوری توطئه است که همه چیز را از نگاه بدبینانه می‌نگرد، همانطور که در گذشته نیز «ویروس کرونا» را هم بدون تعمق، بدون ارائه دلیل و مدرک توطئه آمریکا نامید تا «ایران و چین را از پای دریاورد»، «زیرا این شیطان سابقه جنگ بیولوژیک دارد، سابقه این کارها را دارد!!» و یا کفگیر رژیم به ته دیگ خورده است و نمی‌خواهد برای نجات ۸۵ میلیون ایرانی مبلغی کم‌تر از یک اختلاس کلان هزینه کند.

البته ناگفته روشن است، سابقه سوء جنگ بیولوژیک و شیمیایی آمریکا قابل کتمان نیست، ولی نباید هشجاری را تا سطح اراجیف‌گویی ارتقاء داد و مواضعی از نظر رسمی اتخاذ کرد که نشود پای آن ایستاد و تنها موجبات بی‌اعتمادی را در مردم و در سطح جهانی ایجاد کرد و تمسخر همه را برای خود خرید و خود را بی‌اعتبار کرد.

تردیدها و شدت گرفتن تئوری توطئه در مورد واکسن آمریکایی البته به عوامل سیاسی از جمله نقش بیل گیتس، رئیس کمپانی مایکرو سافت نیز برمی‌خیزد که وی کمک‌های فراوانی به سازمان بهداشت جهانی و از جمله کمپانی‌های «مادرنا» و «فایزر»، که سازنده این واکسن‌ها هستند، کرده و در زمینه واکسیناسیون در کشورهای فقیر فعال است. این سیاست «بیل گیتس» به شایعات زیادی از جمله در مورد پدیده غیرمنتظره «ویروس کرونا» دامن زده است و زمینه گسترش شایعاتی درباره واکسن‌ها را نیز سبب گردیده است. وی گویا در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد «افزایش شدید جمعیت در مناطقی مانند یمن، پاکستان و بخش‌هایی از آفریقا» اظهار نظر کرده و موجب تقویت این شایعه شده که آمریکا با همکاری و مشارکت «بیل گیتس» در پروژه‌ای به نام «شناسایی بیومتریک از طرق واکسیناسیون» اقدام کرده و لذا این امر بر دامنه شایعات افزوده است. اظهار نظر رهبر جمهوری اسلامی و توهم و تردیدهای او آلوده به همین شایعات و تئوریهای توطئه‌ای است که این روزها بازارش بسیار داغ است.



بیانیه احزاب و سازمان‌های کارگران غرب و جنوب آسیا

برگزاری کنفرانس احزاب و سازمان‌های برادر در غرب و جنوب آسیا

احزاب و سازمان‌های برادر (بنگلادش، ترکیه، هندوستان، پاکستان و ایران) برای ارزیابی از وضعیت کشورهايشان در دوره کرونا و فعالیت خود در مبارزه با پاندمی کوید-۱۹ نشست مشترکی ترتیب دادند.

نشست مشترک، کار خود را بنا به پیشنهاد هیأت نمایندگی حزب کار ایران (توفان) با یک دقیقه سکوت در گرامی داشت خاطره «رفیق رائل مارکو»، بنیانگذار و رهبر حزب کمونیست اسپانیا (مارکسیست - لنینیست)، آغاز نمود. هریک از احزاب برادر در مورد اوضاع کشور خود، نحوه برخورد دولت به پاندمی و نگرش خود در برخورد به بیماری همه گیر کرونا بطور مفصل سخن گفتند. پس از بحث و تبادل نظر طولانی و در فضای گرم رفیقانه بیانیه زیر متفقاً به تصویب رسید. در زیر ترجمه این بیانیه از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

هئیت تحریریه
دیماه ۱۳۹۹

ما، امضاءکنندگان زیر، اعضای کنفرانس بین‌المللی احزاب و سازمان‌های مارکسیست - لنینیست (ICMLPO) در منطقه غرب و جنوب آسیا، تحت شرایط فعلی پاندمی کرونا -۱۹ برای ارزیابی وضعیت فعلی جنوب و غرب آسیا و جهان نشست مشترک داشتیم و فعالیت احزاب و سازمان‌های خود را در دوره اول پاندمی و جزئیات کارهایی را که تحت شرایط «موج

دوم» پاندمی انجام می‌دهیم، مورد بررسی و بحث قرار دادیم. جلسه با یک دقیقه سکوت در گرامی داشت خاطره «رفیق رائل مارکو»، که سهم وی در شکل‌گیری ICMLPO بسیار چشم‌گیر بود، آغاز شد.

ما در این کنفرانس احزاب و سازمان‌های آسیائی، تأثیر پاندمی کووید-۱۹ و رفتار دولت‌های متبوع خود بر کارگران و جنبش توده‌ها را مورد بحث قرار دادیم و بیانیه زیر را به اتفاق آراء تصویب نمودیم.

پاندمی کووید-۱۹ زحمتکشان جهان را عمیقاً تحت تأثیر قرار داده و تناقضات اساسی موجود در نظام سرمایه‌داری را تشدید کرده است. توده‌های کار وسیعاً با از دست‌دادن شغل، کاهش دستمزد و افزایش ساعت کار همراه با خطرات حاد بهداشتی روبرو هستند. سرمایه‌داری همواره با بحران همراه است. ما در سال‌های قبل از ۲۰۲۰ شاهد کاهش سرعت رشد، افزایش بیکاری و رشد نابرابری و انقباض اقتصاد بودیم. سال ۲۰۲۰ بر پیشانی خود شیوع کووید-۱۹ و طغیان یک بحران جدید جهانی اقتصاد، سرمایه‌داری را حک کرده است، بحرانی که توسط پاندمی تشدید شده و با آن توسعه یافته است.

بورژوازی، پاندمی ۲۰۲۰ را وسیله‌ای برای غلبه بر برخی مشکلات اقتصادی خود و برای سرکوب حقوق کارگران و زحمتکشان و نادیده گرفتن خواسته‌های آنها قرار داده است. سرمایه‌داری از پاندمی Covid-۱۹ برای محدود کردن و فرسایش دموکراسی و سازمان‌های کارگران استفاده کرد. سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌های بورژوائی در رابطه با پاندمی و درمان پزشکی مبتلایان دارای جانبداری طبقاتی است و با بی توجهی به نگرانی‌ها و نیازهای توده‌های زحمتکش صورت گرفته است.

در بیش‌تر کشورها در حالی که سرمایه‌داران از نظر اقتصادی و مالی حمایت می‌شوند، طبقه کارگر، دهقانان زحمتکش، اقشار پایین جامعه از جمله رده‌های تحت ستم (کاست - cast) و قبایل همه به حال خود رها شده‌اند. کار با ظرفیت کامل در کارخانه‌ها و محل‌های کار بدون توجه به سلامتی کارگران ادامه یافت. برخورد به پاندمی از طرف حاکمانی که از خواست‌های افراد ثروتمند و قدرتمند حمایت می‌کردند و نیازهای بهداشتی توده‌های کار را نادیده می‌گرفتند، با یک نگرش طبقاتی مطرح شد. بسیاری از کشورهای ما از سیستم بهداشت عمومی کافی برخوردار نیستند. بیمارستان‌های موجود بطور کلی خدمات رایگان ارائه نمی‌دهند.

ویروس کرونا در کشورهایی مانند ایران کاملاً نادیده گرفته و وجود آن تکذیب شده بود. حتی پس از آنکه ویروس بر روی توده‌های وسیعی از مردم تأثیر گذاشت و دولت ایران مجبور به اعتراف به موجودیت خود شد، سیاست به اصطلاح «مصونیت گله» را در پیش گرفت. دولت فراخوان قرنطینه کردن مناطق آلوده و محل کار را به عنوان صدای «ضد انقلاب» عنوان کرد. تولید سرمایه‌داری حتی در چالش برانگیزترین دوره

دولت‌ها باید سیاست «مصونیت گله‌ای» را که موجب مرگ بسیاری شده است، کنار بگذارند و مسئولیت حفظ جان و زندگی مردم را جدی بگیرند!

بهداشت یک حق عمومی است. برای همه، خدمات بهداشت عمومی برابر و رایگان را فراهم کنید!

محل‌های کار آلوده به ویروس کرونا باید بسته شوند و حقوق کارگران باید توسط دولت پرداخت شود!

کاهش هزینه با فشار بر کارگران را ممنوع کنید و حق مرخصی با حقوق را برای کارگران در دوره بسته‌بودن مناطق تضمین نمایید!

ایمنی کارگران در محل‌های کار را تضمین کنید. شرایط ایمن کار نه، تولید نه!

از خانواده‌های کارگران، از جمله بیکاران و کارگران بخش غیررسمی، کارگران مهاجر و آوارگان، بدون هیچ پیش شرطی حمایت غذایی و مالی کافی شود!

زندانهائی که در آنها آلودگی گسترش یافته است، باید تخلیه شوند، زندانیان سیاسی باید آزاد شوند!

پزشکان و کارکنان بهداشتی در خط مقدم مبارزه با بیماری کرونا باید حمایت شوند. ساعات کار روزانه پزشکان و کارکنان حرفه‌ای بهداشت را کاهش دهید!

بدون به خطر انداختن حقوق دموکراتیک مردم، امکان برگزاری تجمعات بزرگ را، مذهبی و غیرمذهبی، که باعث گسترش آلودگی می‌شوند، تضعیف کنید!

اعتصابات و تظاهرات را نمی‌توان ممنوع کرد. ما محدودیت حق اعتصاب، اعتراض، فعالیت اتحادیه‌های سیاسی، صنفی و آزادی مطبوعات را به بهانه پاندمی نمی‌پذیریم. نه به سرکوب دولتی و خشونت پلیسی!

نه به تبعیض قومی، ملی و مذهبی، نه به بیگانه‌ستیزی! برابری حقوق و امکانات و فرصت‌ها برای همه از جمله رده‌بندی‌های اجتماعی تحت ستم و مردم عشایری!

از اقبال بیشتر در معرض خطر، کسانی که آلودگی برای آنها خطر بیش‌تر مرگ دارد، محافظت ویژه به عمل آورید!

* استانها و شهرهایی را که آلودگی کرونا در آن در حال افزایش است، قرنطینه کنید!

زمانی که واکسن موثر و قابل اعتمادی عرضه شود، جمعیت را رایگان واکسینه کنید!

آموزش باید با رعایت اقدامات لازم بهداشتی ادامه یابد. کلاس‌های آلوده به ویروس باید به طور موقت تعطیل شوند و آموزش آنلاین باید با تجهیزات لازم و بدون هزینه برای دانش‌آموزان ارائه شود. قبل از استفاده از آموزش آنلاین، «شکاف دیجیتالی» در جامعه را برطرف کنید!

به جنگ‌ها و وجود پایگاه‌های نظامی امپریالیستی در سراسر جهان پایان دهید!

هزینه‌های نظامی را کاهش دهید. بودجه تسلیحات باید به بهداشت و آموزش اختصاص یابد!

پاندمی در ترکیه قطع نشد. در هندوستان، در شرایط بدفهمی و کج اجرائی متوقف کردن فعالیت (Lock down)، کارگران مهاجر مجبور شدند که صدها کیلومتر با خانواده خود از شهر به روستاهای خود را یاده طی کنند. در بنگلادش، کثیری از زحمتکشان بی‌بضاعت در اثر بی‌توجهی جان خود را از دست دادند. و در پی پاندمی، طبقات حاکم در تلاش‌اند تا آن را بمتابه علت بحران سرمایه‌داری معرفی کنند تا سیاست‌های نئولیبرالی خود را که در واقع بحران تشدید می‌کنند، لاپوشانی کنند. آنها همچنین دست بکار شدند تا با استفاده از بیماری کرونا، به اقدامات جدید ضد کارگری دست بزنند. قوانین کار و شرایط مناسب شغلی، که حتی در مواقع عادی نیز بد اجرا شده بودند، به بهانه همه‌گیری تا حد زیادی کنار گذاشته شدند. بورژوازی حاکم به جای حفاظت از کارگران و مردم زحمتکش، در نظر داشته و دارد تا بار کل بحران و پاندمی را بردوش توده‌های کار بیندازد. از دست دادن گسترده شغل‌ها، کاهش دستمزد، شرایط ناامن کار و اخراج اجباری باعث تنگ دستی و فشار شدید در بین کارگران شده است. ما انتقال بار پاندمی و بحران بر دوش کارگران را نمی‌پذیریم. همه تقصیرها به گردن سرمایه‌داران و دولت‌های آنهاست و مسئولیت بار آن را باید آنها بردوش بگیرند.

پاندمی نه تنها منجر به تعمیق تضادهای طبقاتی شده است، بلکه تضادهای بین امپریالیستی را نیز تشدید کرده است. ما در آسیا، شاهد تشدید رقابت بین امپریالیست‌ها، به ویژه بین ایالات متحده آمریکا و چین هستیم و نزاع‌شان برای کسب حوزه‌های نفوذ، کشورهای ما را هم به درون آن کشانده است.

غلبه بر اپیدمی‌ها به روشی انسانی در سیستم سرمایه‌داری، که در آن مالکیت خصوصی ابزار تولید و سود سیاست‌های عمومی را تعیین می‌کند، غیرممکن است. همه‌گیرهایی مانند کووید-۱۹، که احتمالاً در آینده رخ خواهند داد، فقط در یک سیستم سوسیالیستی، که همه منابع تولیدی در آن اجتماعی شده و منافع زحمتکشان سیاست‌ها را تعیین می‌کند، به طور موثر قابل کنترل است. این غیرقابل بحث است که نمی‌توان مبارزه علیه پاندمی را از مبارزه با امپریالیسم، سرمایه‌داری و سایر انواع ستم جدا کرد. شرایطی که ما تحت آن قرار گرفته‌ایم به همه ما آموخته است که باید با Covid-۱۹ و سرمایه‌داری با هم مبارزه کرد. بنابراین، در این شرایط فعلی، ما از کارگران، همه مردم زحمتکش، و نیروهای دموکراتیک و مترقی می‌خواهیم که از دولت‌های خود بخواهند سیاست قرنطینه را ضمن بر آوردن نیازهای توده‌ها در پیش گیرند. ما باید علیه قوانین و فعالیت‌های بورژوازی داخلی که حقوق مردم را تهدید و محدود می‌کند، مبارزه کنیم و هوشیار باشیم که حقوق دموکراتیک نقض نشوند و فاشیسم استقرار نیابد.

ما خواستار مطالبات زیر هستیم.

بمناسبت ۶ بهمن، سی ونهمین سالگرد جانباختن رفیق عباس گودرزی (علی)

وین آتش نهفه که در سینه ماست
خورشید شعله ایست که در آسمان گرفت.

« ... صدمبار در خور نام قهرمان است، آن کس که مردن در نبرد با مدافعان و محافظان این نظام فاسد را به مرگ تدریجی یک گذران منکوب، مطیعانه و برده‌وار مرجع شمرد» (لنین) ششم بهمن ماه سال ۱۳۶۰ در جریان تصرف آمل توسط سرداران خلق، رفیق قهرمان ما عباس گودرزی (علی) در طی عملیات قهرمانانه به شهادت رسید. رفیق عباس لاله سرخی بود که در طلوع زندگی درخشانش، عاشقانه با فداکاری کم نظیر در راه رهایی خلق و حزب خویش و برای اعتلای مارکسیسم - لنینیسم جان باخت. این کارگر قهرمان حزب کار ایران (کارگر چاپ) که مطابق مأموریت حزبی به منظور بررسی عملیات مشترک با اتحادیه کمونیست‌ها، ماه‌ها با رفقای سرداران در جنگل‌های مازندران فعالیت عملی داشت، داوطلبانه در عملیات رزمی که به تصرف آمل منجر گردید، شرکت نمود و تنی چند از مزدوران سیاه دل را نیز به خاک افکند. ولیکن خود نیز به هنگام عقب‌نشینی زمانی که به کمک یکی از رفقای مجروح شتافته بود تا او را به آخرین سنگر برساند، با گلوله درخیم به شهادت رسید. حزب ما در سی نهمین سالگرد تصرف شهر آمل ضمن ادای احترام به همه رفقای جانباخته سردار و گرامیداشت یاد و خاطره رفیق عباس گودرزی (علی) یادآوری می‌کند که حزب ما در آن دوران به صورت تشکیلاتی در تصرف آمل شرکت نداشت و بعدها در ارزیابی‌های خود این اقدام را چپ‌روانه تحلیل نمود. مأموریت رفیق عباس گودرزی (علی) و ارتباط با سرداران به منظور بررسی اهداف مبارزه مسلحانه در جنگل و همکاری مشترک با سازمان‌های سیاسی علیه رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت که متأسفانه منجر به شهادت رفیق گردید. در سی و نهمین سالگرد جانباختن رفیق عباس گودرزی (علی) کادر رزمنده حزب کار ایران (توفان) و همه رفقای جانباخته سردار، یادشان را گرامی می‌داریم و با الهام از قهر انقلابی توده‌ای خود را برای نبردهای آتی آماده می‌سازیم. یاد رفیق عباس گودرزی (علی) گرامی و راهش پر رهرو باد!

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران! زنده باد سوسیالیسم، این پرچم رهایی بشریت!*

* ما به توده‌های کار تمام ملیت‌های جنوب و غرب آسیا فراخوان می‌دهیم که با این خواست‌ها بر ضد دولت‌هایی که بیماری همه‌گیر Covid-19 را مسئله بهداشت عمومی ندانسته و با در الویت قرار ندادن بهداشت عمومی بر علیه آن مبارزه نمی‌کنند، بپا خیزند.

* ما از زحمتکشان می‌خواهیم که مبارزه با پاندمی را با مبارزه برای پایان دادن به سرمایه‌داری، امپریالیسم، انواع استثمار و ستم و برای ایجاد یک جامعه جدید سوسیالیستی، که در آن چنین موارد همه‌گیر منجر به بیکاری گسترده، گرسنگی و محرومیت نخواهد شد، درهم آمیزند.

* ما، کمونیست‌های مارکسیست - لنینیست غرب و جنوب آسیا (ترکیه، ایران، پاکستان، هندوستان و بنگلادش) با تمام توان خود برای متحد کردن اردوی کار علیه سرمایه و پیشبرد مبارزات آن کوشائیم و این راه را ادامه خواهیم داد.

* ما می‌توانیم اثرات پاندمی مانند بیکاری، بدبختی و عدم اطمینان از آینده را فقط با مبارزه بی‌امان طبقه کارگر و مردم زحمتکش دفع کنیم. ما، طبقه کارگر، دهقانان، توده‌های کار، جوانان و زنان می‌توانیم بر پاندمی و سرمایه‌داری با بحران‌های ویرانگر آن غلبه کنیم. فقط ما هستیم که می‌توانیم به این مهم دست یابیم.

بباید متحد شویم تا خود را از حاکمیت سرمایه، که بحران پس از بحران ایجاد کرده است، رها کنیم!
زنده باد مبارزه برای دموکراسی!
فقط سوسیالیسم می‌تواند به فقر، بدبختی، بحران‌های بهداشتی و بی‌عدالتی اجتماعی پایان دهد!

امضاء کنندگان:

- حزب کمونیست بنگلادش (مارکسیست - لنینیست)
 - حزب کار ترکیه - امپ
 - سازمان «دموکراسی انقلابی» هندوستان
 - سازمان کارگران پاکستان (مزدورمحاذ)
 - حزب کار ایران (توفان)
- شانزدهم ژانویه ۲۰۲۱



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

اخبار سرکوب و مقاومت

۳دی

دادستان بوکان با آزادی «فاطمه دادوند»، یکی از معترضان اعتراض‌های آبانماه ۹۸، و سپری کردن باقی‌مانده ایام حبس با پابند مخالفت کرد.

۶دی

«حیدر قربانی»، فعال کارگری و کارگر ساختمانی اهل شهرستان کامیاران طی ابلاغیه‌ای به شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان شهریار احضار شد.

۸دی

دادگاه «آرش گنجی»، منشی هیئت دبیران کانون نویسندگان ایران به اتهامات واهی «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی»، «تبلیغ علیه نظام» و «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» روبروست که مصداق این اتهامات «ترجمه‌ای کتابی درباره تحولات کردستان سوریه (کلید کوچک دروازه‌ای بزرگ) است، با حضور وکیل او، «ناصر زرافشان» برگزار شد.

۹دی

«محمد خانی»، مترجم، پژوهشگر و دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه علامه طباطبائی، با اتهامات اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام توسط قاضی شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ۴ سال حبس تعزیری، ۲ سال محرومیت از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، ۶ ماه کار اجباری با کودکان «توان‌خواه ذهنی» و توقیف تمامی اموال شخصی ضبط شده به مدت دو سال محکوم شد.

۱۰دی

«آرش گنجی» بابت اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی» به ۵ سال، «تبلیغ علیه نظام» به یک سال، و «عضویت و همکاری با گروهک مخالف نظام» به ۵ سال و جمعاً به ۱۱ سال زندان محکوم شد.

هجده نفر از زندانیان سابق بند زنان اوین در یازدهمین سالروز بازداشت «مریم اکبری منفرد»، در بیانیه‌ای خواستار آزادی این زندانی سیاسی شدند.

۱۲دی

انجمن قلم (پن) آمریکا با انتشار بیانیه‌ای در اعتراض به حکم زندان «آرش گنجی»، سرکوب آزادی بیان در ایران را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «۱۱ سال زندان به «جرم» ترجمه یک کتاب کاملاً بی‌معنی و نقض بی‌چون و چرای حق بنیادین انسان‌ها برای آزادی بیان است. مجازات بی‌رحمانه‌ی نویسندگان و فعالان به دلیل بیان مسالمت‌آمیز دیدگاه‌های خود، و یکسان شمردن نظرات انتقادی با جرائم امنیتی، راهکاری است که در ایران شتابی فزاینده یافته است.»

۱۴دی

«جوانمیر مرادی»، فعال کارگری، عضو هیئت اتحادیه آزاد کارگران ایران و عضو انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری دیماه ۱۳۹۹

کارگران و زحمتکشان ایران در ادامه مبارزات خود در ماهی که گذشت، همچنان با مشکلات عدیده‌ای روبرو بودند که «ویروس کرونا» و سیاست‌های نابخردانه و ضد مردمی حاکمیت در این رابطه، مشکلاتشان را دو صد چندان کرد. عدم پرداخت حقوق‌های کارگران، بیکاری، گرانی، سقوط هر روزه ارزش ریال و هزاران مشکل ریز و درشتی که کارگران و زحمتکشان با آنها درگیر بودند، با شیوع «ویروس کرونا» و مسئولیت‌ناپذیری دولت در قبال مردم، زندگی را برای فرودستان جامعه طاقت‌فرساتر و غیر قابل تحمل کرده است. ولی کارگران زحمتکشان برای رسیدن به زندگی شایسته و انسانی دست از مبارزه نکشیدند و با بهره‌گیری از تجربیات گذشته، سعی در مبارزه‌ای متشکل‌تر داشتند. و در همان حال حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی نیز با وحشی‌گری تمام سعی در ارباب و سرکوب داشته که چنین ترفندی نیز کارساز نبوده است. در چند ماه اخیر، بیش از ۳۰ کارگر و فعال کارگری در تجمعات کارگری بازداشت شدند، ۴۵ فعال کارگری و کارگر به ۱۸۳ ماه حبس تعزیری و ۴۲ تن به ۳۱۰۸ ضربه شلاق محکوم شدند، ۴۲ تن به مراجع قضایی احضار شدند، ۱۱۹۵ تن در سوانح کاری کشته و ۳۲۵۸ مورد دچار صدمات جسمی شدند، ولی علی‌رغم تمام این به گیر و به بندهای رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، دستکم ۴۷۳ تجمع کارگری و ۹۹ اعتصاب کارگری به وقوع پیوست. در دیماه نیز شاهد ادامه مبارزات کارگران و زحمتکشان و روشنفکران در اشکال و سطوح مختلف بودیم که در زیر خلاصه‌ای از آن از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد.

کرمانشاه، توسط ماموران لباس شخصی، در حومه کرمانشاه بازداشت شد.

دی ۱۵

کانون نویسندگان ایران در محکومیت صدور حکم ۱۱ سال زندان برای «آرش گنجی» بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... برای کانون نویسندگان ایران که هم‌اکنون چهار تن از اعضایش، رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین، کیوان باژن و گیتی پورفاضل، به خاطر دفاع از آزادی بیان یا استفاده از حق آزادی بیان خود در زندان به سر می‌برند، پرونده‌سازی‌هایی از این دست داستانی تازه نیست. حکومت که سابقه‌ای طولانی در سرکوب آزادی بیان دارد، همچنان هر صدایی را که به اعتراض بلند می‌شود و هر اندیشه‌ای را که از چارچوب مطلوب‌اش فراتر می‌رود بی‌درنگ خفه می‌کند. ناگفته پیداست دستگاه قضایی که به بهانه‌ی ترجمه‌ی کتابی پیرامون تحولات کشوری دیگر، برای مترجم آن حکم ۱۱ سال حبس صادر می‌کند، بویی از عدالت نبرده است. با این همه صدور چنین حکمی در ادامه‌ی افزایش فشار بر نویسندگان مستقل، کانون را در پیگیری راه مبارزه با سانسور و دفاع از «آزادی اندیشه و بیان بی هیچ حصر و استثنا» استوارتر می‌کند. کانون نویسندگان ایران پرونده‌سازی و صدور حکم ۱۱ سال زندان برای آرش گنجی را محکوم می‌کند و خواهان لغو بی‌قید و شرط حکم صادره و مختومه‌شدن پرونده است و از نویسندگان و مدافعان آزادی بیان می‌خواهد تا از هر راه ممکن به صدور این حکم اعتراض کنند».

شصت و هفت نفر از زندانیان سیاسی زندان‌های اوین و رجایی‌شهر در نامه سرگشاده‌ای به ضرب و شتم مداوم زندانیان در زندان‌ها اعتراض کرده‌اند. در این بیانیه آمده است: «روز جمعه پنجم دی ماه، دو زندانی سیاسی، افشین شهسواری و حمید منافی، در سالن قرنطینه زندان اوین مورد ضرب و شتم مأموران قرار گرفتند، که در جریان آن افشین شهسواری به شدت مضروب شد. مأموران او را از سالن بیرون بردند و در جایی که دوربین قرار نداشت دست‌هایش را با دست‌بند بستند و بار دیگر بیرحمانه به او حمله‌ور شدند... ضرب و جرح مهدی مسکین‌نواز و رضا محمدحسینی در زندان رجایی‌شهر؛ گلرخ ایرایی و سهیلا حجاب در زندان قرچک، نرگس محمدی در زندان اوین و نوید افکاری در زندان عادل‌آباد شیراز... ما زندانیان امضاکننده این بیانیه، ضمن محکوم کردن ضرب و شتم و جرح زندانیان خواهان پایان دادن به این برخورد ستم‌گرانه و سرکوب‌گرانه هستیم و با جدیت خواسته‌ی به حق خود را پیگیری می‌کنیم».

دی ۲۱

سه بازداشتی اعتراضات آبان ۹۸، «رعد حمدانی»، «قصی خسرجی» و «سجاد دبات»، توسط دادگاه «انقلاب» دزفول، مجموعاً به ۴۰ سال زندان محکوم شدند. این سه نوجوان اهل شوش، در پی اعتراضات سراسری آبان ۹۸، توسط نیروهای

امنیتی بازداشت شدند.

طی دو روز گذشته حداقل ۱۱ دانشجو و فعال مدنی گرد «فرزاد سامانی»، «صهیب بادروج»، «شیول خضری»، «دریا طالبانی»، «سالار رهوی»، «سیروان نوری»، «افشین مام احمدی»، «بهمن یوسف‌زاده»، «فرهاد موسی‌پور»، «فریدون موسی‌پور» و «دانا صمدی» در شهرهای کرج، مهاباد، ربط و میوان توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند.

دی ۲۳

برای ۲۸ تن از کارگران و فعالان کارگری شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه پیامکی مبنی بر ارجاع پرونده آنها به (شعبه اول دادیاری دادرسی عمومی و انقلاب شهرستان شوش) ارسال شد. در پی شکایت اسدیگی استعمارگر، ۲۸ نفر از کارگران مبارز هفت تپه به بی‌داده‌ها احضار شدند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن حمایت از کارگران هرگونه پرونده‌سازی برای کارگران شریف و زحمتکش را محکوم ساخت و خواستار پایان دادن به این نمایش‌های مضحک و ضدکارگری شد.

دی ۲۶

«آرش جوهری»، فعال کارگری و اجتماعی به ۱۶ سال حبس محکوم شد.

دی ۲۹

«محمدرضا رمضان‌زاده»؛ معلم و عضو هیأت مدیره انجمن صنفی معلمان خراسان شمالی جهت اجرای حکم یک سال حبس، به دلیل شرکت در تحصن‌های سراسری معلمان در سال ۹۷ و ۹۸، بازداشت و به زندان بجنورد منتقل شد.

دی ۳۰

سه تشکل مستقل کارگری «سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران»، «بازنشستگان فلزکار مکانیک» و «بازنشستگان سندیکای کارگران بافنده سوزنی» با انتشار بیانیه مشترکی ضمن حمایت از خواست‌های کارگران هفت تپه، پرونده‌سازی برای کارگران هفت تپه را محکوم ساختند. در این بیانیه آمده است: «... ما همچنان از برادران خود حمایت کرده و خواهان قطع دست رانت‌خوران و مافیا از سر صنایع و بویژه هفت تپه هستیم. زحمتکشان ایران اجازه نخواهند داد هفت تپه را به هپکویی دیگر تبدیل کنید. اینگونه حرکات مذبحانه خللی در امر مخالفت زحمتکشان ایرانی با خصوصی‌سازی و دستورات صندوق بین‌المللی پول و سیاست‌های ضدکارگری نتولیرالیسم، نخواهد داشت و از همه توان‌مان برای حمایت از خواسته‌های خواهران و برادران هفت تپه‌ای استفاده خواهیم کرد».

کارگران هفت تپه

دی ۱

جمعی از کارگران هفت تپه همگان را به تجمع در روز سوم دیماه در تهران برای حمایت از کارگران هفت تپه دعوت کردند. در این دعوت‌نامه آمده بود که: «نظر به اینکه روز چهارشنبه، سوم

این حساب‌ها را داشته باشند... بدین وسیله و از آنجا که برای همکاران ما سفر به تهران هم به لحاظ هزینه و بعد مسافت و هم مشکلات کرونایی امکان پذیر نیست، از همه افراد، رسانه‌ها، تشکلات و همه عزیزانی که حامی طبقه کارگر و مشخصاً علیه سیاست جنایتکارانه خصوصی سازی هستند و همیشه به اشکال مختلف از مبارزات کارگران هفت تپه اعلام حمایت کرده‌اند، تقاضا داریم به درخواست یاری ما پاسخ مثبت بدهند و در روز چهارشنبه برای اعلام حمایت از خواسته کارگران هفت تپه و تأکید بر صدور فوری رأی خلع ید از بخش خصوصی فاسد و اختلاسگر و برای آزادسازی هفت تپه، در مقابل وزارت دادگستری و در ساعت دو ظهر تجمع حمایتی کنند».

گروه اتحاد بازنشستگان با اعلام شرکت خود در تجمع حمایت از کارگران هفت تپه، تمامی بازنشستگان و شاغلان را به شرکت در این تجمع دعوت کرد. در این اطلاعیه آمده است: «هزاران کارگر نیشکر هفت تپه با اتحاد و همبستگی خود خواهان خلع ید از سرمایه‌داران بخش خصوصی، که شرکت توسعه نیشکر هفت تپه را به تاراج برده و به تملک خود درآورده‌اند، هستند... کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه برای جلوگیری از تکرار سرنوشت شومی که نهادها و مسئولان ضد کارگر برای این شرکت رقم زدند، خواست‌های فوری خود را اعلام کرده‌اند: ... با فشاری برای تحقق آنها محصول مبارزات طولانی، تحمل سختی‌ها، اخراج‌ها و زندان و تجارب سال‌ها فعالیت حق طلبانه کارگران با سابقه و کارگران جوان بخش‌های مختلف شرکت هفت تپه است. تنها اراده جمعی کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت کارگران و فعالان کارگری در سراسر کشور اجرای واقعی خواست‌های بالا را تحقق می‌بخشد».

۵۵۲

در حمایت از فراخوان کارگران هفت تپه و «اسماعیل بخشی»، نزدیک به ۴۰ تشکل صنفی مستقل کارگران، بیکاران، دانشجویان، ورزشکاران، بازنشستگان و فعالان کارگری، بیانیه مشترکی منتشر ساختند. در این بیانیه آمده است: «روز چهارشنبه سوم دیماه ۱۳۹۹، با گذشت بیش از پنج سال از اعتراضات و اعتصابات گسترده کارگران هفت تپه در برابر سرمایه‌داران «شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه» و مدافعین حکومتی سرمایه‌داران، جلسه هیئت داوری دادگاه تعیین تکلیف آینده اقتصادی این شرکت و زندگی هزاران کارگر در این شهر، برگزار خواهد شد. اعتراضات و اعتصابات که از یک سو موجب به خط‌شدن دولت و وزارتخانه‌هایش، نیروهای انتظامی، امنیتی، قضایی و سایر ارگان‌های حکومت سرمایه‌داران علیه معیشت کارگران و نمایندگان آنها شد؛ و از سوی دیگر، میلیون‌ها نفر از کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان و غیره را در کنار و نیز در جبهه اعتراض کارگران هفت تپه علیه سیستم غارتگری قرار داد؛ تا جایی که در سال‌های اخیر، فریاد مطالبه‌گری کارگران هفت تپه، بازتاب‌دهنده خواسته‌ها و اعتراضات بخش وسیعی از جامعه

دیماه، هیأت داوری برای خلع ید از کارفرمای اختلاسگر و فاسد خصوصی در هفت تپه تشکیل جلسه می‌دهد، بدینوسیله فراخوان می‌دهیم که روز چهارشنبه کارگران، دانشجویان، رسانه‌ها، بازنشستگان و فرهنگیان، تشکلات، فعالین اجتماعی و همه عزیزانی که امکان حضور دارند در ساعت دو ظهر در مقابل ساختمان وزارت دادگستری در تهران تجمع حمایتی از مطالبه کارگران هفت تپه، یعنی خلع ید از بخش خصوصی برگزار کنند. خلع ید یک کلام والسلام!

سندیکای مستقل کارگران نیشکر هفت تپه در فراخوانی برای دعوت به تجمع سوم دی در مقابل دادگستری در تهران، آورده است: «کارگران عزیز نیشکر هفت تپه دست یاری بسوی همه اقشار - بخصوص مردم تهران - دراز کرده و درخواست کمک دارند. روز چهارشنبه ۳ دی ۹۹، هیأت داوری برای مساله خلع ید از امید اسدیگی، کارفرمای اختلاسگر و فاسد خصوصی در هفت تپه و تیم همراهش، در دادگستری تهران تشکیل جلسه می‌دهد. از همین رو و برای حمایت از خلع ید از خصوصی سازی فاسد، کارگران محروم و زحمتکش هفت تپه فراخوان به تجمع مقابل دادگستری تهران داده‌اند... کارگران نیشکر هفت تپه خواستار بازگرداندن شرکت توسعه نیشکر هفت تپه به بخش دولتی هستند. این خواسته به هیچ عنوان توهم داشتن به بخش دولتی و ترجیح دادن دولت به بخش خصوصی نیست. بلکه به این خاطر است که کارگران در مطالبه و طرح خواست‌هایشان باید دولت سرمایه‌داری را مورد مخاطب قرار دهند و دولت نیز نباید از مسئولیت خود شانه خالی کند. علاوه بر این کارگران هفت تپه در این مبارزه خواست‌های دیگری نیز در مقابل دولت و کل سرمایه‌داری و جناح‌های حکومت طرح کرده‌اند که عبارتند از: ۱- خلع ید و سلب مسئولیت از تمام کارگزاران مدیریت سابق. مدیران جدید شرکت باید مورد تأیید کارگران باشند. ۲- به رسمیت شناختن نمایندگان منتخب کارگران در زمینه نظارت بر شرایط ایمنی و بهداشت کار، جلوگیری از سوانح، رعایت ساعات کار و غیره. ۳- بازگشت همه کارگران اخراجی به کار و پرداخت حقوق و مزایای دوران بازداشت و یا اخراج آنها. ۴- پرداخت فوری تمام حقوق و مزایای عقب افتاده. ۵- به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری و به طور مشخص سندیکای کارگران هفت تپه از سوی دولت و کارفرما. ۶- به رسمیت شناختن حق اعتراض، اعتصاب و راهپیمایی. برای جلوگیری از انواع اختلاس‌ها، دزدی‌ها و حیف و میل‌ها لازم است: الف- کارگران برای نظارت نمایندگان منتخب خود بر تولید، استخدام، ماشین آلات و مواد خام، انبار تولیدات، زمین‌های متعلق به شرکت برای جلوگیری از فروش زمین‌ها، منع اخراج تلاش کنند و بکوشند این موارد در شرکت هفت تپه تثبیت و نهادینه شوند. ب- حساب‌های شرکت شامل ترازنامه، حساب سود و زیان و حساب جریان نقدینگی یا تغییرات خزانه شرکت علنی باشند و نمایندگان کارگران حق بررسی اسناد مربوط به

جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه، در حمایت از همکاران و فعالان کارگری این مجتمع، در محوطه این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

۵۴ دی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار اطلاعیه‌ای روشنگرانه ماهیت «شورای اسلامی کار» را افشاء و از حق کارگران برای داشتن سندیکای مستقل حمایت کرد. در این اطلاعیه آمده است: «... ایجاد» تشکل شورای اسلامی کار» را مطرح می‌کنند، چرا؟ چون «شورای اسلامی کار» تشکل صاحبان سرمایه است و قرار است به نام کارگر از منافع خرد و کلان صاحبان سرمایه به دفاع برخیزد. ... کارگران هفت تپه با عملکردهای ضد کارگری شورای اسلامی کار آشنایی دارند و اعضای این تشکل ضد کارگری باید از حضور خود در چنین تشکلی شرم داشته باشند...».

۲۸ دی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن به رسمیت شناختن تمام مطالبات کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، هرگونه پرونده‌سازی و تهدید و تعقیب قضایی برای آنها را محکوم ساخت و خواستار شنیده شدن فریاد دادخواهی کارگران و خلع ید از بخش خصوصی و رسیدگی به فساد مدیریت هفت تپه، که یکی از خواسته‌های کارگران است، شد.

شرکت واحد

۴ دی

پانزدهمین سالروز اعتصاب سندیکای کارگران شرکت واحد در چهارم دی ۸۴ و تأثیرات آن در جنبش کارگری ایران گرامی باد! سندیکای کارگران شرکت واحد با مبارزه و تلاش متحدانه و پیگیرانه هزاران کارگر، خودش را به حاکمیت تحمیل کرد. آنهم در شرایطی که حاکمیت و دولت به هیچ وجه هیچ‌گونه تشکل مستقلی را نمی‌خواهند به رسمیت بشناسند و اساساً از تشکیل هرگونه تشکیلات مستقل چه از سوی کارگران و معلمان و دانشجویان و ... ممانعت می‌کنند. البته فشار امنیتی و قضایی بر سندیکا همچنان باقی است. کارفرما و دولت مصمم بودند که این سندیکا را در نطفه خفه کنند؛ اما با هوشیاری رانندگان و کارگران شرکت واحد اعتصاب اول سندیکای کارگران شرکت واحد شکل گرفت و عوامل امنیتی و کارفرما در کمال ناباوری متوجه شدند که تمام تهدیدها و اخراج‌ها و بگیر و ببندها نه تنها تأثیری در توقف کارگران در خواسته‌هایشان نداشت، بلکه کارگران را در پیگیری خواسته‌ها و مطالباتشان مصمم‌تر از پیش نموده بود.

۱۰ دی

سندیکای شرکت واحد با انتشار بیانیه‌ای پرونده‌سازی قضایی برای کارگران نیشکر هفت تپه را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن همراهی و حمایت از کارگران نیشکر

علیه کلیت دم و دستگاه‌هایی بوده که زندگی مردم ایران را در عمیق‌ترین تنگناها و بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فرو برده است».

۳ دی

تجمع حمایت از کارگران هفت تپه امروز سوم دیماه در تهران مقابل دادگستری برگزار شد. جمعی از بسیجیان نیز با هدف کانالیزه کردن اعتراضات کارگران حضور داشتند و قصد داشتند با فریادهای خود مانع از شعارهای مترقی حمایت از کارگران شوند. امروز هیأت داوری در وزارت دادگستری جلسه داشت و کارگران هفت تپه خواهان، رأی به خلع ید از بخش خصوصی هستند. جلسه امروز هیأت داوری ناتمام ماند. لحظاتی پس از اتمام تجمع مقابل دادگستری، در پارک دانشجو تعدادی از فعالین کارگری «داوود رفیعی»، «امیر امیرقلی»، «عسل محمدی»، «هیراد پیربدایی»، «امیرعباس آزمونند» و «مرتضی سیدی» توسط نیروهای امنیتی در محل بازداشت و تحت بازجویی قرار گرفته و پس از تهدیدهای مکرر آزاد شدند.

مادران صلح ایران در حمایت از کارگران هفت تپه بیانیه‌ای منتشر ساختند که در آن می‌خوانیم: «... ما مادران صلح ایران با حمایت از کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه، مصرانه خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌ها و مطالبات آنان همچون پرداخت حقوق معوقه؛ تمدید دفترچه بیمه؛ بازگشت به کار کارگرانی که به خاطر اعتراض به وضعیت موجود اخراج شده‌اند؛ خلع ید از بخش خصوصی؛ دولتی شدن کارخانه و حق نظارت کارگران بر اداره امور هستیم. همچنین به رسمیت شناختن تشکل‌های کارگری و بنا به اصل ۲۷ قانون اساسی حق اعتراض کارگران، که مطالبه‌ای ملی و خواست همگانی است، می‌باشیم...».

۶ دی

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، حمایت خود را از خواسته‌های به حق کارگران نیشکر هفت تپه مبنی بر خلع ید از مالکان بخش خصوصی اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... ما ضمن حمایت خود از خواسته‌های کارگران نیشکر هفت تپه و حمایت از تصمیمات قضات شریف دادگاه‌های رسیدگی کننده به پرونده خلع ید از مالکان بخش خصوصی کشت و صنعت هفت تپه، از هم میهنان شریف خود می‌خواهیم که از خواسته‌های کارگران شریف نیشکر هفت تپه، مبنی بر خلع ید از مالک خصوصی و برگرداندن این کشت و صنعت به مالکیت عمومی و دولتی حمایت کنند».

۱۹ دی

کارگران هفت تپه در حمایت از نمایندگان‌شان و مخصوصاً «مهندس عباسی» جلوی مدیریت در اعتراض به اذیت و آزار کارگران و نمایندگان کارگران دست به تجمع اعتراضی زدند و «یوسف بهمنی» در جمع کارگران با سخنرانی افشاگرانه به طرح مطالبات کارگران پرداخت.

۲۱ دی

خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۳۰ دی

دویست کارگر شرکت «آب تابان» زیرمجموعه فرارگاه خاتم در منطقه جفیر هویزه از استان خوزستان دست به اعتصاب زدند. اعتراض آنان از عدم پرداخت حقوق ۲ ماه خود بوده است. شرکت «آب تابان» با اخراج پیمانکار این کارگران سرگردانی را برای آنان بوجود آورده است. در حال حاضر کارگران نمی‌دانند حقوق خود را از چه کسی باید مطالبه کنند، قراردادهایشان با چه ارگانی اعتبار خواهد یافت و هیچ کسی هم در این پروژه جوابگوی کارگران نیست. البته از طرف مدیریت پروژه به کارگران گفته شد که روز بعد حقوق آبانماه پرداخت می‌شود.

کارگران کارخانه پتروشیمی گچساران (کهگیلویه و بویراحمد) در اعتراض به ۴ ماه پرداخت نشدن حقوق در کارخانه دست به اعتصاب و راهپیمایی زدند.

شهرداری

۱ دی

صد و بیست کارگر سایت پسماند اهواز واقع در روستای صفیره، که با تعطیلی این سایت بیکار و بدون بیمه به حال خود رها شده‌اند، با برگزاری تجمع اعتراضی خواستار بازگشت به کار، پرداخت مطالبات عقب‌افتاده و به‌روزشدن دفترچه بیمه خود شدند.

۹ دی

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری آبادان در اعتراض به چند ماه مزد معوقه و حق بیمه، در محوطه ساختمان شهرداری مرکزی این شهر برگزار شد.

۱۴ دی

جمعی از کارگران آبفای استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به بلا تکلیفی شغلی و پرداخت نشدن حداقل ۶ ماه حقوق آنها در برابر ساختمان آب و فاضلاب استان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۵ دی

نماینده کارگران شهرداری ایلام به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران در اقدامی ضد کارگری از کار اخراج شد.

۲۳ دی

کارگران شهرداری منطقه دو خرم‌آباد طی روزهای گذشته نسبت به عدم پرداخت ۸ ماه دستمزد در برابر ساختمان شهرداری تجمع اعتراضی برگزار نمودند.

۲۹ دی

حدود ۲۵۰ کارگر آبدار آبفای استان کهگیلویه و بویراحمد دست‌کم ۶ ماه مطالبات مزدی طلب‌کاراند. این کارگران با سفر به تهران مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

۳۰ دی

هفت تپه، خواهان خلع ید از بخش خصوصی و نظارت نامحدود کارگران بر اداره شرکت می‌باشد و مطالبات و خواسته‌های کارگران باید هرچه سریع‌تر برآورده شود. ما همچنین، تهدید، ارباب و پرونده‌سازی و فشار فراقانونی بر کارگران را قویاً محکوم می‌کنیم.

۱۵ دی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن محکوم ساختن خصوصی‌سازی، تأمین کارگر و راننده توسط شرکت‌های واسطه‌ای تأمین نیروی انسانی را قویاً محکوم ساخت و خواهان استخدام رانندگان توسط شرکت واحد و به صورت قرارداد دائم شد. در این اطلاعیه آمده است: «... شرکت‌های تأمین نیروی انسانی، که ماهیتاً زائد هستند، موجب چپاول بیش‌تر دسترنج رانندگان خواهند شد و از طرفی با توجه به اینکه این رانندگان قرارداد موقت خواهند داشت و مجبور خواهند بود تا انواع دستورات فراقانونی مدیریت را اجراء کنند و هر آنچه را که تا امروز مدیریت می‌خواسته به رانندگان تحمیل کند، اما موفق نشده است، با دوگانه استخدامی رانندگان جدید با رانندگان قدیمی (قرارداد دائم)، انواع فشار مضاعف و بهره‌کشی از رانندگان برای مدیریت میسر خواهد شد. سندیکا همه رانندگان را فرامی‌خواند تا در مخالفت با این طرح چپاول‌گرانه همراه شوند».

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۱ دی

تجمع اعتراضی کارگران قرارداد موقت منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی ماهشهر (بندر خمینی) در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل از جانب جمعی از کارگران برگزار شد.

۳ دی

کارگران اخراجی پتروشیمی ایلام واقع در شهرستان چوار در یک تجمع اعتراضی در برابر پتروشیمی خواستار بازگشت به کار شدند.

۸ دی

جمعی از کارگران مناطق آزاد و ویژه بندر ماهشهر در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود و همچنین خواست اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل سخت و زیان‌آور در این منطقه دست به تجمع اعتراضی زدند.

۱۴ دی

کارگران شرکت نفت گچساران در اعتراض به عدم دریافت دستمزد در یک تجمع اعتراضی، بر سر سفره خالی نشستند!

۲۹ دی

کارکنان و بازنشستگان صنعت نفت جنوب، عضو پروژه ۲۰۰۰ واحدی مسکن مهر نفت اهواز در اعتراض به بلا تکلیفی ۱۰ ساله مسکن مهر نفت در مقابل اداره کل راه و شهرسازی

در رده‌های استانی تا وزارتی، نمایندگان مجلس و ... مطرح و تلاش کرده‌اند تا با جلسات گفتگو محور مشکلات ناشی از این گونه طرح‌های غیرکارشناسی شده را بر روند آموزش به گوش مسئولان مربوط برسانند تا بلکه آنها را برای رفع نواقص متقاعد کنند. متأسفانه گویی عزمی برای حل این مشکلات در مسئولان پیدا نمی‌شود و همچنان در بر همان پاشنه می‌چرخد.

«...»

دی ۲۱

تجمع اعتراضی پذیرفته نشدنگان آزمون استخدامی آموزشیاران نهضت سوادآموزی در برابر ساختمان مجلس برگزار شد، معترضین از شهرهای مختلف به تهران آمده بودند تا صدای اعتراض خود را به گوش نمایندگان مجلس برسانند.

دی ۲۲

جمعی از اعضاء هیات علمی، کارمندان و پرستاران دانشگاه آزاد اسلامی در اعتراض به نابرابری حقوق و دستمزد نسبت به دانشگاه‌های دولتی با در دست داشتن پلاکاردهایی در جلوی مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار پیگیری افزایش حقوق خود و پایان دادن به تبعیض حقوقی نسبت به دانشگاه‌های دولتی شدند.

دی ۲۳

تجمع مربیان پیش‌دبستانی باغ‌ملک در اعتراض به اخراج گروهی از آموزش و پرورش.

دی ۲۹

گروهی از معلمان در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. این معلمان که به تازگی استخدام شده‌اند، رتبه‌بندی معلم‌ها را تبعیض آمیز دانسته و خواستار همسان‌سازی حقوق شدند.

دی ۳۰

آموزشیاران نهضت سوادآموزی، که در آزمون ۲۰ تیرماه پذیرفته نشدند، در برابر مجلس تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان

دی ۱۴

تجمع اعتراضی بازنشستگان تأمین اجتماعی تهران، در مقابل سازمان تأمین اجتماعی برگزار گردید. علاوه بر تهران، بازنشستگان تأمین اجتماعی، در شهرهای مشهد، کرج، خرم‌آباد، اهواز، کرمانشاه، تبریز، اراک، شیراز، همدان، سندج، قزوین و ... با تجمع در مقابل ساختمان تأمین اجتماعی دست به اعتراض زدند. در پایان تجمع بیانیه‌ای از طرف بازنشستگان انتشار یافت که خواسته‌های ده‌گانه بازنشستگان را شامل می‌شد. از جمله: ۱- مستمری‌ها ۵۰ درصد افزایش یابد. ۲- به بازنشستگان عیدی کارگری داده شود. ۳- لزوم رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار. ۴- هرگونه تصمیم‌گیری در مورد بازنشستگان با حضور نمایندگان منتخب باشد. ۵- حق تجمع و اعتراض برای بازنشستگان محفوظ باشد.

از حدود یکماه پیش کارگران بخش خدماتی و فضای سبز شهرداری کوت عبدالله اهواز با همراهی کارگران واحد اجرائیات برای وصول مطالبات معوقه خود به نشانه اعتراض دست از کار کشیدند و از جمع‌آوری زباله‌ها خودداری کردند.

فرهنگ، آموزش و هنر

دی ۷

تجمع اعتراضی معلمان حمایتی استان یزد، برای ششمین روز متوالی ادامه یافت و در کلاس‌های آنلاین مدارس شرکت نکردند. معلمان معترض خواستار پرداخت حقوق‌های عقب افتاده و رفع نابرابری‌ها و یکسان‌سازی شرایط شغلی خود شدند.

دی ۱۳

تجمع اعتراضی فرهنگیان خرید خدمات آموزشی، شاغل در واحدهای آموزشی استان یزد در اعتراض به تداوم مشکلات صنفی آنها و محرومیت از حق امنیت شغلی در مقابل ساختمان استانداری یزد برگزار شد.

دی ۱۴

گروهی از هنرمندان تئاتر در برابر مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و در بیانیه‌ای به «۱۰ ماه بیکاری مطلق» و وضعیت اسفناک زندگی خود اشاره کردند. آنها خواستار بودجه حمایتی برای اهالی تئاتر شدند. این تجمع در سکوت برگزار شد. در این بیانیه همچنین خواسته شده است: «جهت تولید آثار نمایشی، و رفع خسارت‌های ناشی از شیوع ویروس کرونا، برای تمام گروه‌ها، اعم از حرفه‌ای و دانشجویی، صحنه‌ای و خیابانی، کودک و نوجوان، عروسکی، و آیینی و سنتی بودجه‌ی مکفی و در شأن اختصاص یابد». اصغر همت، سخنگوی هیات مدیره خانه تئاتر به خبرگزاری ایسنا گفت که این تجمع کاملاً فرهنگی بوده و اعضای خانه تئاتر پیگیر اجرای موارد مندرج در این بیانیه و مطالبات خود هستند و امیدوارند با همراهی نمایندگان مجلس، این مطالبات محقق شود.

دی ۱۷

صبح امروز گروهی از آموزش‌دهندگان نهضت سوادآموزی از چند شهر خوزستان مقابل اداره کل آموزش و پرورش تجمع کردند.

دی ۱۸

مربیان پیش‌دبستانی شهرستان ایزد در اعتراض به پرداخت نشدن بستانکاری‌های خود و ناپایداری وضعیت شغلی و پرداخت نشدن حق بیمه مربیان، در مقابل در ورودی استانداری خوزستان، دست به تجمع اعتراضی زدند.

دی ۲۰

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران پیرامون طرح خرید خدمات آموزشی و حقوق معلمان این طرح بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... معلمان مشمول این طرح و تشکل‌های صنفی فرهنگیان کشور، بارها با نوشتن نامه و بیانیه انتقادات و اعتراض‌ها را به این طرح با مدیران آموزشی

۱۷ دی

جمعی از خانواده‌های کارگران و کارگران بازنشسته شهرستان شادگان، در اعتراض به وضعیت بد معیشتی خود، با در دست داشتن شعارنوشته‌هایی در این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۱ دی

در پی فراخوان سراسری برای تجمع اعتراضی بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی، بیش از ۴۰۰۰ بازنشسته در سراسر کشور در بیش از ۲۰ شهر، در شهرهای تهران، رشت، قزوین، کرج، کرمانشاه، بجنورد، مشهد، شوش، نیشابور، همدان، اراک، سنندج، بروجرد، شیراز، اصفهان، اهواز، اسفراین، ایلام، خرم‌آباد، تبریز، کرمان، از جمله شهرهایی بودند که بازنشستگان با برپایی تجمع در جلوی مجلس و استانداری‌ها و فرمانداری‌های شهرها، خواستار رسیدگی به خواسته‌های خود شدند.

کادر درمان و بهداشت

۷ دی

یک هفته بعد از روز پرستار و نمایش تلویزیونی وزارت بهداشت با حضور روحانی، که ادعای دو برابر شدن حقوق پرستاران و استخدام ۳۰ هزار پرستار، کادر درمانی شرکتی، که به عدم تبدیل وضعیت خود و فاصله حقوق و مزایای خود با همکاران رسمی، اعتراض دارند، در مقابل مجلس دست به تجمع اعتراضی زدند.

۹ دی

تجمع اعتراضی کارکنان شرکتی بهداشت و درمان نسبت به تبعیض میان کارکنان دانشگاه‌های علوم پزشکی، در برابر مجلس برگزار شد.

۱۳ دی

گروهی از پرستاران، در اعتراض به اخراج و خاتمه خدمت ۸۹ روزه خود، جلوی استانداری شیراز تجمع کردند.

۱۴ دی

نیروهای شرکتی مرکز بهداشت بافق در جلوی ساختمان فرمانداری شهر بافق، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌های عقب‌افتاده خود دست به تجمع زدند. در این تجمع اعتراضی نیروهای شرکتی بهداشت در رابطه با برآورده نشدن مطالبات خود از جمله تبدیل نشدن وضعیت شغلی و پرداخت نشدن مزایای خود اعتراض کردند و گفتند که همراه با نیروهای رسمی بهداشت فعالیت کرده‌اند، اما از حقوق کم‌تری برخوردار هستند.

تجمع نیروهای شرکتی بهداشت و درمان شهرستان یزد در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق‌شان در جلوی ساختمان استانداری یزد برگزار شد.

۱۵ دی

جمعی از پرستاران بیمارستان‌های اهواز و چند شهر دیگر خوزستان، در اعتراض به تبعیض در پرداخت حقوق و مزایا، جلوی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند. برای چندمین بار بیش از صد نفر از کارکنان شرکتی طرح تحول سلامت اصفهان به دلیل حقوق معوقه و تعدیل مقابل استانداری اصفهان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۶ دی

در ششمین روز از تجمع اعتراضی، کارکنان بیمارستان خمینی در استان البرز، با تجمع جلوی ساختمان استانداری البرز، خواهان پرداخت حقوق‌های عقب‌افتاده خود شدند.

۲۲ دی

کادر درمان بخش خصوصی در شهرستان تبریز، در اعتراض به بی‌توجهی مسئولین و مقامات وزارت بهداشت در رابطه با مطالبات و خواسته‌هایشان، جلوی استانداری آذربایجان شرقی در شهر تبریز تجمع کردند.

۲۳ دی

جمعی از پرستاران و پرسنل بیمارستان میلاد تهران، در اعتراض به وضعیت معیشتی خود مقابل ورودی‌های بیمارستان تجمع کردند.

کارگران دیگر

۲۲ دی

چهارمین روز اعتصاب رانندگان اتوبوس شهری ارومیه نسبت به عدم پرداخت مطالبات‌شان برگزار شد. تجمع اعتراضی مهندسان ساختمان استان البرز نسبت به عدم آزادسازی حق‌الزحمه مهندسان ناظر و تجمیع دستمزدها در حساب‌های غیرشفاف نظام مهندسی مقابل ساختمان مرکزی سازمان نظام مهندسی برگزار شد.

۵ دی

رانندگان اتوبوس‌های رباط کریم - پرنده در اعتراض به دریافت عوارض سنگین آزادراه تهران - ساوه، در یک تجمع اعتراضی، اتوبوس‌های خود را در کنار آزادراه تهران - ساوه پارک کردند.

۶ دی

در پایانه بار کلان‌شهر یزد، اعتراض کامیون‌داران استان یزد نسبت به نحوه توزیع لاستیک یارانه‌ای برگزار شد.

۹ دی

تجمع اعتراضی کارگران رنگین‌نخ سمنان نسبت به هفت سال بلا تکلیفی و مطالبات مزدی در برابر استانداری این شهر برگزار شد.

یازدهمین روز اعتصاب رانندگان خودمالک سازمان اتوبوسرانی ارومیه، به دلیل عدم اعتماد به اجرایی شدن وعده و وعیدها با برپایی تجمع در ترمینال برگزار شد.

۱۳ دی

آتش‌نشانان اصفهان مقابل شهرداری اصفهان نسبت به نحوه

پرداخت حقوق و مزایایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

دی ۱۴

کارگران کشت و صنعت لرستان نسبت به عدم پرداخت بیمه و مشکل قراردادهای کاری؛ در شرکت کشت و صنعت دست به تجمع زدند و خواستار رسیدگی به مطالباتشان شدند.

دی ۲۱

کارگران هپکو بعد از پایان ساعت کاری شرکت، در خروجی شرکت تجمع کردند. کارگران این واحد صنعتی، علت این اعتراض را مطالبه از مسئولان در خصوص تهاتر بدهی‌های شرکت و حمایت دولت از تولید در هپکو عنوان کردند. کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز طی روزهای گذشته اعلام کرده بودند که شورای اسلامی کار را نه تنها قبول ندارند بلکه از ایجاد این تشکل، که دست‌ساز کارفرما و دولت است، مانع می‌گردند. بر همین اساس کارگران از ساعت ۸ صبح با تجمع در محیط کارخانه مصرانه خواهان جلوگیری از برگزاری انتخابات شدند و ساعت ۹:۳۰ دقیقه که مسئولین حراست قصد داشتند تا صندوق انتخابات را در محل مسجد دایر نمایند، کارگران معترض مانع از این کار شدند و عوامل حراست و اداره کار را از شرکت بیرون راندند. کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز خواهان تشکیل تشکل مستقل خود هستند.

دی ۲۵

شماری از کارگران شرکت جهاد نصر کرمانشاه در اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه مطالبات مزدی خود در این شرکت دست به تجمع اعتراضی زدند.

اعتصاب کارگران معدن روی گوجر راور واقع در استان کرمان، در اعتراض به سطح پایین دستمزدهای خود و نداشتن امنیت شغلی، سومین روز خود را پشت سر گذاشت.

دی ۲۹

صیادان اروندکنار بار دیگر تجمع کرده و خواستار حل مشکلات خود در زمینه صید و دریانوردی شدند.

مبارزه تشکلهای مستقل علیه کرونا و سیاست‌های ضد کارگری

تشکلات مستقل کارگران، معلمان، دانشجویان، بازنشستگان و دیگر فعالان کارگری و مدنی در بیانیه‌های مشترک و یا جداگانه سیاست‌های ضد مردمی حاکمیت سرمایه‌داری اسلامی در رابطه با امر بهداشت و درمان و واکنش‌های آنرا افشاء ساختند و واکنش‌های همگانی و مجانی را به شعار و خواسته روز تبدیل ساختند که به واقع حقی است همگانی که می‌بایست با سرعت هرچه تمام انجام پذیرد. در ذیل به این بیانیه‌ها نگاهی می‌اندازیم.

دی ۲

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) درباره بازگشایی مدرسه‌ها در بیانیه‌ای آورده است: «... لذا کانون صنفی معلمان تهران ضمن مخالفت با تصمیمات ناهماهنگ و جدید وزارت آموزش و پرورش در بازگشایی مدارس، هشدار می‌دهد که این عدم وحدت رویه در تصمیم‌گیری‌ها و ناهماهنگی بین وزارتخانه و ستاد ملی کرونا می‌تواند عواقب وخیمی همچون گسترده‌گی شیوع کرونا و قربانی شدن تعداد دیگری از همکاران و دانش‌آموزان را به همراه داشته باشد و پیامدهای آن به عهده مسئولین وزارتخانه آوب خواهد بود. پیشنهاد ما این است که تا زمان انجام واکنش‌های سراسری آموزش‌ها همچنان به صورت مجازی انجام شود و از بازگشایی مدارس حتی به صورت محدود خودداری شود».

در بیانیه مطالباتی بازنشستگان علاوه بر خواسته‌های صنفی معمول در رابطه با واکنش‌های سراسری نیز آمده است: «... ۷- در پایان خواهان واکنش‌های فوری و رایگان برای همه ساکنان ایران با توجه به الویت‌های جاری در همه جهان، از جمله بازنشستگان، که به دلیل شرایط سنی و ابتلا به بیماری‌های حرفه‌ای ناشی از سال‌ها کار و زحمت و فرسودگی ناشی از آن؛ در معرض این بیماری واگیردار قرار دارند، هستیم».

دی ۲۵

کانون صنفی فرهنگیان گیلان برای مطالبه واکنش‌های عمومی مطابق با استانداردهای جهانی مورد پذیرش سازمان بهداشت جهانی در اطلاعیه خود آورده است: «... کانون صنفی فرهنگیان گیلان انتظار دارد مجموعه‌ی حاکمیت نسبت به دیدگاه‌های سیاسی شده و بخشنامه‌ای در این عرصه به شدت احتراز ورزد و راه درست را تا ریشه‌کن کردن این معضل خانمان سوز در پیش بگیرد».

در بیانیه انجمن صنفی معلمان کردستان - میوان آمده است: «... به تصمیم‌گیران سیاسی کشور هشدار دهیم که عواقب تأخیر در واکنش‌های فوری و سراسری کشور بر عهده آنهاست و پیشنهاد می‌کنیم که هماهنگ با سازمان بهداشت جهانی و هم‌راستا با استانداردهای جهانی به واکنش‌های فوری و سراسری مردم اقدام کنند».

دی ۲۶

اتحاد بازنشستگان بیانیه‌ای در رابطه با واکنش‌های سازمانی، فوری و رایگان آورده است: «... حق ما نیست شاهد انفعال، بی‌عملی و عادی‌سازی نبود واکنش برای واکنش‌های عمومی باشیم و سکوت کنیم، واکنش حق مسلم همه‌ی مردم است. ما از همه‌ی بازنشستگان از هر گروه و با هر مطالبه‌ای می‌خواهیم که به نبود واکنش کرونا و واکنش‌های فوری، عمومی و رایگان اعتراض کنند و آن را در صدر مطالبات خود بگذارند». اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون مطالبه واکنش‌های فوری و سراسری در بیانیه خود چنین آورده است: «... اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام می‌دارد که تعرض به جان و زندگی افراد

جامعه باید به فوریت پایان پذیرد و واکسیناسیون عمومی و رایگان کلیه کارگران در مراکز کاری و صنعتی و تمامی آحاد و افراد جامعه برای مقابله با بیماری کرونا بر اساس توصیه‌های سلامت جهانی و استفاده از واکسن‌های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی فوراً و بدون تبعیض و رایگان انجام گیرد».

۲۷ دی

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در بیانیه خود آورده است: «... خواست ما کارگران این است که واکسیناسیون باید شروع شود و با نظرات عقب‌مانده و غیر علمی بیشتر از این جان انسان را به خطر نیندازید».

در بیانیه کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز پیرامون مسئله واکسن کرونا و آموزش آمده است: «... در پایان از دولت و متولیان بهداشت درخواست می‌کنیم نسبت به خرید و ورود واکسن با برندهای مختلف مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی اقدام نمایند تا عموم هموطنان از جمله معلمان و دانش‌آموزان، حق انتخاب آزاد نوع واکسن دریافتی را داشته باشند. از وزیر آموزش و پرورش هم می‌خواهیم تا قبل از واکسینه کردن افراد آسیب‌پذیر و در معرض خطر از هر گونه تصمیم عجولانه نسبت به بازگشایی حضوری مدارس خودداری کنند».

کانون صنفی فرهنگیان استان قزوین در بیانیه خود آورده است: «... بنابر این کانون صنفی فرهنگیان قزوین، هرگونه سیاسی کاری با جان هشتاد و پنج میلیون ایرانی را در مساله ویروس کرونا محکوم می‌کند و اظهارنظرهای غیرکارشناسی در حوزه علم را مردود اعلام کرده و تأکید می‌کند تنها راه نجات جان هموطنان در برابر ویروس کرونا تهیه واکسن مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی است».

۲۸ دی

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه‌ای آورده است: «... خواهان آغاز فوری واکسیناسیون رایگان با واکسن‌های مورد تأیید سازمان جهانی بهداشت با اولویت قرارداد افراد آسیب‌پذیر و بدون تبعیض می‌باشد. سندیکا همچنین خواهان رسیدگی جدی و مناسب به معیشت طبقه کارگر و فرودست و مراقبت و حمایت‌های بهداشتی و درمانی از این طبقه آسیب‌پذیر در این شرایط سخت و اسف‌بار می‌باشد».

گروه اتحاد بازنشستگان در اعلامیه خود آورده است: «... خواست تهیه فوری واکسن کرونا و شروع واکسیناسیون رایگان، استاندارد و عمومی، جهت پیشگیری از گسترش این ویروس کشنده، مطالبه ضروری و جدی توده‌های مردم می‌باشد. برخورداری از دست‌آوردهای پزشکی، خدمات و امکانات درمانی - بهداشتی حق مسلم همگان است. دولت و نهادهای مسئول موظف‌اند به دور از تحمیل هرگونه نظرات غیرعلمی و بی‌اعتبار، امر واکسیناسیون عمومی را همانگونه که در سایر نقاط جهان اجرایی گردیده، به فوریت آغاز نموده و به این خواست توده‌های میلیونی مردم گردن نهند!».

در بیانیه انجمن صنفی بازنشستگان کشوری برای مطالبه واکسیناسیون فوری و سراسری آمده است: «... درخواست ما از مسئولان حکومتی همکاری با سازمان بهداشت جهانی و ورود واکسن‌های مورد تأیید این سازمان به کشور و آغاز واکسیناسیون فوری و سراسری به ویژه سالمندان است، همچنانکه بسیاری از کشورهای همسایه ایران چنین مسیری را برگزیده‌اند. ما بازنشستگان به حکومت می‌گوئیم فقط می‌خواهیم زنده بمانیم. شما وظیفه ذاتی و قانونی خود را اجرا کنید فکر نمی‌کنیم این مطالبه‌ی زیادی باشد».

۲۹ دی

کانون صنفی فرهنگیان اسلام‌شهر در بیانیه منتشر شده خود آورده است: «... کانون صنفی فرهنگیان اسلام‌شهر ضمن هشدار جدی به حاکمان کشور، مبنی بر لغو ممنوعیت واردات واکسن، خواهان سفارش خرید از مشهورترین و معتبرترین شرکت‌های خارجی بوده، و از حاکمان می‌خواهد، دست از لجبازی و ابراز نظرهای غیرمسئولانه و غیرتخصصی برداشته و بیش از این با جان مردم بی‌گناه ایران بازی نکنند. همچنین این تشکل، دست در دست سایر کانون‌ها و انجمن‌های صنفی معلمان ایران از حاکمان قدرت‌مدار در ایران می‌خواهد که ضمن احترام به جان مردم، هرچه زودتر برای خرید واکسن مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی اقدام نموده و بیش از این مردم را نگران نکنند».

۳۰ دی

کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر نیز در باب واکسیناسیون همگانی در اطلاعیه خود آورده است: «... لذا کانون صنفی معلمان استان بوشهر به عنوان تنها نهاد مستقل صنفی فرهنگیان، که همواره مدافع حقوق معلم و دانش‌آموز بوده، از حاکمیت و مسئولان امر بهداشت و سلامت جامعه به جد خواستار تهیه واکسن از هر راه ممکن و اقدام به واکسیناسیون عمومی دارد، از آنجا که این بیماری با شرایط ژنتیکی خاصی که دارد (متغیر بودن ساختار، در نتیجه کاهش اثربخشی واکسن در کمک به سیستم ایمنی جهت مقابله با آن) باید در کنار آن به دیگر فعالیت‌های آموزشی و ایجاد محدودیت‌های موقت ارتباطی جهت جلوگیری از گسترش بیماری و کنترل آن نیز اقدام نمود. بدیهی است که عواقب عدم توجه به سلامت عمومی جامعه مستقیماً متوجه متولی اصلی آن یعنی دولت است. امید است با اندکی خردمندی از گسترش فاجعه جلوگیری به عمل آید». آنچه به مبارزات کارگران و زحمتکشان جلوه‌ای بی‌نظیر می‌بخشد وجود تشکل‌های مستقل کارگران و زحمتکشان است و آنچه موجب می‌شود تا نتیجه دلخواه و مقبول به دست نیاید، همانا عدم وجود تشکلی واحد و همه‌گیر و قانونی در سراسر ایران است که تمام مزدبگیران تهیدست را در بر بگیرد. در کنار مبارزات روزمره، آنچه که وظیفه تمامی فعالین صنفی است، تلاش برای ایجاد اتحادیه مستقل و سراسری می‌باشد. •



پیروزی در انتخابات آمریکا توسط «ترامپ» حاصل آن بوده است، در سایه قرار داد. «ترامپ» با شعار «اول آمریکا» بر سر کار آمد و با این شعار به زخم تضادهای تشدید شده در آمریکا دست گذارد و مردمی را که خود را بازنده می‌دیدند و از دست سیاستمداران متعارف و متواتر عاجز بودند، به عنوان یک مقاطعه‌کار و تاجر «موفق» بسیج نمود. این وضعیت محصول تأثیرات روندهای جهانی شدن سرمایه بود که با ابزار بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی عمل می‌کرد. امپریالیسم می‌خواست با گسترش سیاست نئولیبرالیسم در جهان دست سرمایه‌های امپریالیستی را در غارت کشورها و در رقابت با یکدیگر باز بگذارد. در ۴۰ سال اخیر خود آمریکا از سلسله‌جنبان این سیاست و مبلغ آن بوده است که آنرا از آمریکا به ممالک آمریکای لاتین و سپس آسیا و... صادر کرد و چون نتوانست نتایج ناگزیر و مولفه‌های در حال رشد آنرا در دنیا به درستی بسنجد، با مشکلی روبرو شد که حالا بخشی از جمعیت عمدتاً سفیدپوست کشور و حتی کارگران سفیدپوست، به لحاظ اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی منافع از دست‌رفته خود را از این سیاست اعمال شده تاکنون در خطر می‌بیند. آنها از سیاست درهای بسته و مقابله با هجوم کالاهای چینی به بازار داخلی آمریکا برای تقویت صنایع داخلی حمایت می‌کنند.

آمریکا، که دروازه‌های ورود کالا را به آمریکا باز کرده بود، با صعود چین و تولید انبوه وی، که بسیاری از تولیدکنندگان آمریکایی را به ورشکستگی کشانید، حساب نمی‌کرد. آمریکا حتی در رقابت با اروپا نیز دچار توهم شد و در برخی عرصه‌ها نتوانست با رقبای خود در اروپا موفقیت به دست آورد. در این عرصه آلمان توانست از سیاست جهانی شدن سرمایه و گشودن مرزهای گمرکی بیش‌تر سود ببرد تا آمریکا. این شکست سیاست درهای باز، که به نارضایتی عمومی در آمریکا مواجه شد، و به ویژه به بیکاری کارگران سفیدپوست منجر گردید،

ترامپ استثناء نیست، محصول وضعیت کنونی جهان و آمریکاست

تلخیصی بیانیه حزب کار ایران (توفان) در مورد حمله به کاخ کنگره آمریکا

مورخ ۱۸ دیماه ۱۳۹۹ برابر با ۷ ژانویه ۲۰۲۱

«دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور بازنده آمریکا، در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ روز چهارشنبه، ششم ژانویه ۲۰۲۱ هواداران خود را مقابل ساختمان کاخ کنگره آمریکا در شهر واشنگتن دی سی فراخواند تا علیه تأیید پیروزی «جو بایدن»، رئیس‌جمهور جدید منتخب آمریکا، به تظاهرات اعتراضی دست بزنند و نتیجه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را مخدوش بخوانند. این آغاز حمله خشونت‌آمیز به کاخ کنگره بود که آن را «نماد دموکراسی» در آمریکا جا می‌زند. پلیس و محافظان کنگره آمریکا با انفعال عمدی خویش دست مهاجمان را در غارت و تخریب در داخل کنگره باز نگذاشتند. این زهر چشم «ترامپ» از مخالفان خویش است تا نشان دهد باخت «ترامپ» در این دوره ریاست جمهوری پایان نبرد وی با جناح مخالف نیست، بلکه آغاز مبارزه‌ای خشونت‌آمیز با مخالفان سیاست‌های جناح مغلوب است.

ریشه‌های بحران و «اول بودن آمریکا»

این شکاف و وضعیتی را که در داخل آمریکا به وجود آمده است، نباید محدود به ماجراهای دو ماه اخیر در آمریکا نمود و پس‌زمینه‌های شکافی را که در جامعه آمریکا وجود داشته و

داده است. پس شکاف و تضاد در درون آمریکا یک تضاد ساختاری و ریشه‌ای است و ربطی به دلچک‌بازی «ترامپ» و دروغ‌های وی، آنطور که امپریالیست‌های اروپا تبلیغ می‌کنند، ندارد.

«ترامپ» نه تنها ماجراجو، عامل تشنج و تحریک در منطقه خلیج فارس، عامل تجاوز و خشونت و تروریسم دولتی در سراسر جهان و از جمله در آمریکای لاتین است، هم اکنون نیز این خشونت و تشنج را در داخل آمریکا به اوج خود رسانده است. کسانی که این تروریسم دولتی را علیه ایران مورد تأیید قرار دادند، نمی‌توانند از ادامه حمایت خویش از «ترامپ» دست بکشند. «ترامپ» کنونی همان «ترامپ»ی است که «قاسم سلیمانی» را ترور کرد و دست‌اش به خون صدها هزار نفر مردم عراق، یمن، سوریه، لبنان، فلسطین، افغانستان و... آلوده است. کشوری دیگران را متهم به تشنج‌آفرینی می‌کند که خود به همه جهان لشگرکشی کرده است و در همه جا حقوق بشر را زیر پا گذاشته است. تقریباً همه کودتاهای جهان بر ضد نیروهای ملی و انقلابی با دسیسه‌های آمریکا صورت گرفته است. خون میلیون‌ها مردم جهان به دستان آمریکا چسبیده است. آمریکا زمانی از اجرای حقوق بشر صحبت می‌کند که زندان‌های «ابوغریب»، «بگرام»، «گوانتانامو»، «اوین» و «قرزل قلعه» و نظایر آنها در جهان ایجاد کرده است. آمریکا با دموکراسی در جهان سرسازش ندارد، زیرا هر دموکراسی مردمی در مقابل دخالت‌های آمریکا خواهد ایستاد. اقدامات «ترامپ» در این زمینه‌ها همدستی با عربستان سعودی، تروریسم دولتی، کشتار مردم یمن، نسل‌کشی در فلسطین، همدستی با داعش، صهیونیسم و وهابیسیم و... اتفاقی نیست از ماهیت آمریکا ناشی می‌شود. همین آمریکا بود که از «هاشم تاجی» تروریست، قاچاقچی، فاسد، راهزن به عنوان رهبر مردم کوزوو، نخست‌وزیر و رئیس جمهور این کشور مصنوعی دفاع می‌کرد و بر جنایات‌اش به عنوان «قهرمان ملی» مبارز ضد صرب‌ها چشم پوشیده بود و نسل‌کشی وی و یارانش را مورد تأیید قرار می‌داد و وی را رهبر «جنبش آزادی‌بخش کوزوو» خطاب کرده و در مجامع جهانی برای وی چهره‌سازی می‌کرد. و حال همین «قهرمان ملی» را بعد از اینکه تاریخ مصرف‌اش تمام شده است، قرار است به خاطر جنایات سبعانه‌اش در جنگ داخلی یوگسلاوی در مقابل دادگاه کیفری لاهه قرار دهند. نگذاریم آمریکا تاریخ را مجدداً برعکس بنویسد و بر جنایات‌اش سرپوش بگذارد. نگذاریم همه کاسه کوزه‌ها را بر سر «ترامپ» خراب کنند تا تمامیت رژیم امپریالیستی آمریکا را تطهیر نمایند.

راه توسل به قهر

حمله خشونت‌آمیز بخشی از بورژوازی آمریکا به بخش دیگر به این معنی است که آنها نتوانسته‌اند از غنائمی که در جهان و در داخل آمریکا به دست آورده‌اند، راه تقسیم «عادلان» و مناسبی بین خود پیدا کنند. زیرا این حقیقت همه دانسته است

زمینه‌ای بود تا شعار «اول آمریکا»، که به مردم القاء می‌کرد، در این بازی سر آمریکا کلاه رود و باید در عرصه‌های معینی از اجرای قراردادهای جهانی سرباز زند و در درجه اول با تکیه به تولید داخلی، خویش را برای تهاجم آینده تقویت کند، هوادار پیدا کرد. هواداران «ترامپ» سیاست «اول آمریکا» را ناجی وضع بد اقتصادی خویش می‌دانند. به همین جهت آمریکا توافقات خویش را با اروپا و چین مورد تجدیدنظر قرار داد و خودش با پاره‌ای از کشورها تنها به انعقاد قراردادهای دوجانبه و یا چندجانبه، که منافع آمریکا را به خطر نمی‌انداختند، دست زد. «ترامپ» محصول این دوران شکست در رقابت با اروپا و چین بود.

ماهیت اختلافات درون آمریکا

ماهیت اختلافات درون آمریکا طبیعتاً طبقاتی است. این مبارزه طبقاتی چه در عرصه جهانی و چه در آمریکا اعم از مبارزه طبقه کارگر تا مبارزه خلق‌ها بر ضد امپریالیسم و کشورها برای حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی خویش، به تشدید تضاد در میان خود امپریالیست‌ها و انحصارات آمریکائی بدل شده است. «ترامپ» در عین اینکه در پی تأمین منافع امپریالیسم آمریکا در درجه اول در جهان است، ولی در درون آمریکا باید با انحصاراتی، که خواهان گسترش جهانی شدن سرمایه و رفع موانع گسترش و نفوذ خود در جهان هستند، به مبارزه برخیزد. بستن مرزهای اقتصادی در آمریکا برای کالاهای چینی و اروپائی رقبای آمریکا را نیز به واکنش متقابل واداشته، آنها نیز سعی خواهند کرد به اقدامات متقابل دست بزنند. خروج آمریکا از پیمان‌های اقتصادی، محیط‌زیست و نقض مقررات و تعهدهای جهانی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی خشم متحدان رقیب آمریکا را برافروخته است. آنها نیز در مقابل آمریکا انحصارات «گوگل»، «فیسبوک»، «آپل»، «تویتر»، «آمازون» و... را مورد حمله قرار داده‌اند و در راه گسترش و خودسری و تلاش‌های لجام‌گسیخته آنها در اروپا به اقدامات متحد دست زده‌اند. آمریکا در مقابل یک تضاد لاینحل قرار گرفته است زیرا جهانی شدن را نمی‌شود به نیمه جهانی شدن تقلیل داد. این تضادهای انحصارات در داخل آمریکا نیز بین این دوروش فکری بروز کرده که نمایندگان خویش را در «ترامپ» و «یابدن» پیدا می‌کنند. مجتمع‌های نظامی، صنایع داخلی، کشاورزی، پتروشیمی و انرژی در کنار ترامپ ایستاده‌اند و «وال استریت»، شرکت‌های موفق در شبکه‌های مجازی، که به میدان رشد جهانی نیاز دارند، با سیاست‌های محدودگرانه «ترامپ» مخالف‌اند. این است که می‌توان اختلافات کنونی درون آمریکا را ناشی از تشدید تضادهای میان انحصارات نیز دید. فشار بر مردم، قربانیان بحران سال ۲۰۰۸، بازندگان سیاست‌های جهانی‌سازی سرمایه و گسترش نئولیبرالیسم، که به بیکاری و ورشکستگی در آمریکا انجامیده است، راه نفوذ «ترامپ» را در افشار بازنده جامعه با شعار «اول آمریکا» افزایش

داوطلبانه و با اعتقاد کامل رأی بدهند. ۷۳ میلیون نفر جمعیتی تقریباً در حدود جمعیت ایران؛ به تأیید همه امپریالیست‌ها؛ در آمریکا با دروغ‌های «ترامپ» فریب خورده‌اند، شستشوی مغزی شده‌اند و در واقع رأی آنها، گرچه رأی شکننده‌ای است، اعتبار ندارد. ولی این مدعیان نمی‌گویند سرنوشت همه انتخابات قبلی آمریکا نیز چنین بوده است. مردم را همیشه شستشوی مغزی داده‌اند و به آنها دروغ گفته‌اند و فریب‌شان داده‌اند و آنها با شرکت‌شان در انتخابات به ظاهر «دموکراتیک»، بدون آرادهی آزاد؛ سلاح‌های خود را به حکومت رسانده‌اند. دموکراسی آمریکائی همیشه بر بنیاد فریب استوار بوده است و خواهد بود. این همان «دموکراسی» بورژوائی است که همه بورژواها مُبلغ آن هستند. در اینجا سخن بر سر انتخاب دوره اخیر آمریکا نیست، بر سر کلیه انتخابات آمریکا تا به امروز است. دموکراسی آمریکائی، دموکراسی خریدنی بوده، هست و در آینده نیز چنین خواهد بود.

متحدان «ترامپ» نگرانند

«ترامپ» در عرصه خارجی نیز متحدانی برای خود داشت. «وهابیسم»، «داعشیسم» و «صهیونیسم» در منطقه از متحدان وی بودند. «ترامپ» حتی اِکِراد سوریه را برای مقاصد شوم خود به عنوان متحد برگزید. عربستان سعودی و امارات متحده عربی همراه با اسرائیل تلاش بسیار کردند تا «ترامپ» بر سر قدرت بماند تا آنها سیاست‌های سلطه‌گرانه خویش را در منطقه ادامه دهند. ایرانیان خودفروخته و جاسوس، که از منابع مالی این مستبدان تغذیه می‌شوند، نیز همه در دسته‌های عزاداری «ترامپ»، برای نابودی ایران و مردم‌اش علمدار معرکه بودند و از ادامه سلطه ماجراجویانه و تشنج‌آفرین وی، به ویژه در آمریکا و کانادا، با چنگ و دندان حمایت می‌کردند. آنها خواهان تحریم ایران، تقویت تروریسم دولتی آمریکا در منطقه و تجاوز آمریکا به ایران و نقض حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران بودند. آنها برای میهن ما هیچ حقی قایل نیستند و به گماشتگی آمریکا افتخار می‌کنند. حال دوران بلندپروازی‌های این خودفروختگان کاهش یافته و باید به گوشه پستوهای خود برای مدت زیادی پناه ببرند. به هر صورت سقوط «ترامپ» خطر «ترامپ» را رفع نمی‌کند، ولی تنفسی برای مردم است تا با نگرانی شب‌ها به بستر نروند. •

که پارلمان‌های بورژوائی، مجمع مشورتی میان بورژواها برای حل اختلافات درونی خود آنهاست و نه دفاع از منافع مردم و زحمتکشان در جامعه. زمانی که این تقسیم غنائم با مشکل روبرو شده است؛ بخش بازنده بورژوازی حاضر است با توسل به قهر، قدرت را از دست بخش دیگر بورژوازی بیرون بکشد و خودش مستقر شود. پس این پرسش مطرح است اگر بورژوازی برای کسب و حفظ منافع خویش به برادر طبقاتی‌اش رحم نمی‌کند و حتی برای «اعتبار» پارلمان و رأی اکثریت هم ارزشی قایل نیست، چگونه است که حاضر باشد رأی اکثریت زحمتکشان را برای تغییر مناسبات تولید بپذیرد؟ روشن است که چنانچه نیروهای انقلابی در انتخابات بورژوائی پیروز شوند، قادر نخواهند بود کرسی‌های پارلمانی را اشغال کنند. نیروی سرکوب بورژوازی قبل از ورود آنها به پارلمان آنها را قلع و قمع خواهند کرد. این خیانت رویزیونیست‌ها و رهبرشان خروشچف بود که «راه‌گذار مسالمت‌آمیز» را به کمونیست‌ها القاء می‌کرد و آنها را از تدارک و انجام انقلاب پرولتاریائی بازمی‌داشت. انتخابات آمریکا صحت این تجربه تاریخی را برای بار دیگر نشان داد که حاکمیت نظام سرمایه‌داری را باید با قهرانقلابی، با تکیه بر نیروی مردم سرنگون کرد. تغییر مناسبات تولیدی از راه انتخابات پارلمانی، که تنها برای فریب مردم است، مقدور نیست. چه خوب گفت «مارک تواین» این نویسنده سرشناس آمریکائی که: «اگر رأی‌دادن تفاوتی ایجاد می‌کرد، آنها جلوی انجام آن را می‌گرفتند».

دروغ و عوام‌فریبی‌های ترامپ

رسانه‌های تبلیغاتی غرب با تمام نیرو تلاش می‌کنند بحران کنونی در آمریکا را محصول دروغ‌های «ترامپ» جلوه دهند. «فیک نیوز» (Fake News) به ترجیح‌بند این رسانه‌ها بدل شده است. ولی تاریخ آمریکا با شفافیت نشان می‌دهد که کلیه روسای جمهور آمریکا دروغ‌گو و فریبکار بوده‌اند و نه تنها «ترامپ». «آیزنهاور» قبل از کودتای ۲۸ مرداد «دکتر مصدق» را «هیتلر» ایران معرفی می‌کرد، «هریمن» با دروغ جنگ کره را راه انداخت و کشور آزاد شده کره از قید استعمار ژاپن را به دو منطقه تقسیم کرد، «جان اف کندی» در مورد کوبا و ویتنام دروغ گفت و «لیندون جانسون» در مورد ویتنام با تکیه بر دروغ جنگ را گسترش داد، «جرج بوش (پدر)» در مورد یوگسلاوی دروغ گفت و پسرش در مورد عراق، ایران و افغانستان و «اوباما» در مورد ایران، سوریه، لیبی مردم را فریب داد و جایزه نوبل گرفت. همه روسای جمهور آمریکا دروغ‌گو بوده‌اند. این سیاست، که ما فقط «ترامپ» را عوام‌فریب جا بزیم تا دیگران را تبرئه کنیم، دیگر بُرائی ندارد.

ولی انتخابات آمریکا یک تجربه دیگر را نیز بیان داشت و آن اینکه شخصی مانند «ترامپ» با سرمایه کلان و تسلط بر رسانه‌های گروهی و تشکیلات مذهبی و نژادپرستی سنتی در آمریکا تا چه حد می‌تواند مردم آمریکا را بفریبد تا به وی

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی
به دست مردم**

کوبا، ایران و ... ما شاهد این کوشش‌ها هستیم. در این میان «فایزر» آمریکا و «بایون تک» آلمان گویا گوی سبقت را از دیگران ربوده‌اند. تنها در انگلستان، روسیه، چین و هند میلیاردها واکسن یا تولیدشده و یا در حال تولید شدن است. بدون تردید کنسرن‌های دارویی پیوسته به فکر تولید بیش‌تر و ارزان‌تر و فروش آن به حداکثر قیمت هستند تا جیب سهام‌داران خود را پُر پول‌تر کنند. البته در برخی از کشورها از جمله کوبا و چین واکسن برای عموم مجانی است.

نکته دیگر اینکه واکسن‌ها بی‌خطر نیستند. اما تجربه بشری نشان داده است که علی‌رغم این، واکسن‌ها تاکنون جان میلیون‌ها انسان را در جهان نجات داده‌اند. از واکسن‌های فلج اطفال، سرخک، دیفتی، کزاز و ... گرفته تا واکسن سالمندان نظیر «آنفلوآنزا». امروز به جرأت می‌توان گفت که خطرات ناشی از این واکسن‌ها در مقایسه با موفقیت آن در نجات جان میلیون‌ها انسان بسیار ناچیز بوده است. به دیگر سخن ریسکی که انسان از واکسن متحمل شده و یا در آینده خواهد شد، در مقابل نفعی که واکسن برای سلامت بشر تاکنون داشته و در آینده نیز خواهد داشت، بسیار ناچیز است. در نتیجه خطر آسیب از خود بیماری به هیچ‌وجه با خطری که واکسن آن می‌تواند داشته باشد، قابل قیاس نیست. تجربه ده‌ها ساله بشر ثابت کرده است که واکسن طی دهه‌های گذشته جان میلیون‌ها انسان را نجات داده است. علاوه بر این واکسن نه تنها بدن فرد واکسینه شده را در مقابل بیماری محافظت می‌کند، بلکه در کاهش مبتلا شدن سایر افراد جامعه نیز مؤثر خواهد بود. به جرأت می‌توان گفت که واکسیناسیون عالی‌ترین نوع ایمنی گله‌ای است. امری که برخی از دولت‌ها مانند برزیل، آمریکا، سوئد (البته بدون واکسن) در انجام آن ناموفق بوده و صدها هزار انسان را به دیار عدم روان ساخته‌اند.

در نتیجه وظیفه هر انسانی است که تبلیغات دروغین «تئوری توطئه» ضد واکسن را افشاء و با آن به مقابله برخیزد. زیرا در غیر این صورت نه تنها جان «اندیشمندان» توطئه و طرفداران‌شان در خطر است، بلکه سلامتی سایر افراد را نیز به خطر می‌اندازند. «تئوری توطئه»، که آمیخته به اطلاعات غلط و دروغ است، طی سال‌های اخیر برای مثال علیه واکسیناسیون سرخک، در دنیای مجازی، بسیار رواج داشته و باعث شده که بسیاری از مردم از واکسینه کردن کودکان خود خودداری کرده و در نتیجه بیماری سرخک مجدداً شروع به سرایت وسیع کند و زندگی کودکان و حتی آینده آنان را با خطر جدی مواجه سازد. لازم به ذکر است که وزارت بهداشت آلمان از ماه مارس سال گذشته زدن واکسن سرخک به کودکان را اجباری ساخته است. متأسفانه «تئوری توطئه» در مورد واکسن کرونا، علی‌رغم افزایش روزافزون مبتلایان به این بیماری و در نتیجه افزایش تلفات جانی ناشی از آن، قوت گرفته است. اینکه سرمایه‌داری از شیوع هر بیماری، از جمله کرونا، از تهیه واکسن گرفته تا داروهای احتمالی معالجه در آینده، در درجه اول مثل همیشه



پیرامون واکسن کرونا و تئوریه‌های «توطئه»

از همان آغاز بحث تهیه واکسن کرونا مخالفین پر و پا قرص آن به انواع و اقسام تئوری‌های «توطئه» متصل هستند تا به صحت نظر خود قوت بخشند. عده‌ای هم اصولاً اعتقادی به واکسن ندارند و در نتیجه تمایلی به واکسینه کردن خود و خانواده‌شان ندارند. البته هر دو جریان بدون دارا بودن دانش لازم برای متقاعد کردن سایرین بر روی نظریه خود مبنی بر «خطرناک بودن واکسن اصرار می‌ورزند.

یکی از استدلال‌ات طرفداران «تئوری توطئه» این است که قدرتمندان اقتصادی برنامه‌ای از پیش تدوین شده دارند. برای نمونه در آغاز، این تئوری را مطرح می‌کردند که «بیل گیتس» از طرفی با پرداختن پول به سازمان بهداشت جهانی، «انستیتوی روبرت کخ» در آلمان و دانشگاه «شاریته» برلن از طریق آقای «دروستن»، ویرولوگ مشهور آلمانی، آنها را به خطرناک بودن کرونا، ترساندن مردم و نیز تولید واکسن ترغیب نموده و از جانب دیگر با خریدن سهام کلان شرکت‌های تکنولوژی، به ویژه شرکت «کیوراک» در توینگن آلمان قصد دارد با تولید ۷ میلیارد واکسن کرونا (به اندازه جمعیت جهان) بر ثروت نجومی خود بیفزاید!!! اتفاقاً دست بر قضا در این میان شرکت کیوراک (به دلایل خاص) از همه ناموفق‌تر بود! طرفداران «تئوری توطئه» برای مقبول ساختن تئوری‌های خود می‌پنداشتند که هرچه دروغ بیش‌تر و بزرگ‌تر باشد، موثرتر واقع خواهد شد.

امروز اما جهان شاهد آن است که ده‌ها شرکت و مؤسسه تحقیقاتی در سراسر جهان در امر تولید واکسن مشغول رقابت با یکدیگرند. در چین، روسیه، هند، آلمان، آمریکا، انگلستان،

است.

اکنون به نمونه‌هایی از علایم جنبی و تلفات جانی که در اثر تزریق واکسن کرونا رخ داده است، اشاره خواهیم کرد.

کشور نروژ اعلام کرده که ممکن است افراد مُسن یا افراد با سابقه بیماری‌های خطرناک و مزمن، عوارض جنبی واکسن کرونا را نتوانند تحمل کنند. برای نمونه در این کشور تاکنون (۱۸/۱/۲۰۲۱) ۳۳ نفر از افراد گروه‌های یاد شده در بالا جان خود را بعد از تزریق واکسن از دست داده‌اند. کلیه این افراد بالای ۷۵ سال و دارای سابقه بیماری‌های خطرناک بوده‌اند. لازم به یادآوری است، گرچه که انستیتوی «پاول اهرلیش» (سازمان امور بهداشت و سلامت وابسته به وزارت بهداشت و سلامت آلمان) رابطه مرگ این افراد با واکسن کرونا را تقریباً غیرممکن می‌داند، ولی دولت نروژ در این راستا به افراد مُسن به ویژه دارای پیش‌زمینه بیماری‌های مزمن و خطرناک هشدار داده است که از تزریق واکسن کرونا پرهیز کنند.

در همین رابطه دکتر «زیگورث هورتمو» معتقد است که بعضی از انسان‌ها در اثر کهولت سن و ناتوانی جسمی، عوارض جنبی واکسن کرونا نظیر تب و لرز و حالت تهوع را تحمل نکرده و جان خود را از دست داده‌اند. تاکنون تجارب میلیون‌ها انسان در سطح جهان که واکسن بایون تک - فایزر - که حتی برخی واکسن دوم را هم - تزریق کرده‌اند، حاکی از آن است که عوارضی غیر از عوارض جنبی که در لیست جوف واکسن‌ها قید شده‌اند، مشاهده نشده است. البته در موارد معدودی تلفات جانی مشاهده شده است که هنوز ثابت نشده‌اند که علت فوت به واکسن مربوط است یا اینکه همان طور که در بالا در مورد نروژ اشاره شد در اثر کهولت و سابقه بیماری‌های خطرناک و مزمن بوده است.

طبق اخبار موجود بسیاری از افراد بالای ۸۰ سال و یا دارای بیماری‌های زمینه‌ای اصولاً تاکنون از زدن واکسن خودداری کرده‌اند.

در کشور آلمان نیز چند نفر بعد از تزریق واکسن کرونا جان خود را از دست داده‌اند. انستیتوی «پاول اهرلیش» در این رابطه نیز معتقد است که فوت آنها ربطی به واکسن نداشته است و در اثر بیماری‌های زمینه‌ای بوده است.

برای نمونه یکی از این قربانیان کرونا خانمی بالای ۹۰ سال از یکی از خانه‌های سالمندان شهر وایه در ایالت نیدرزاکسن آلمان بوده است که پزشک قانونی ربطی میان واکسن کرونا و مرگ این خانم ندیده است. لازم به ذکر است که در آلمان تاکنون ۵۱ نفر از عوارض جنبی واکسن رنج برده و شکایت داشته‌اند. در انگلستان که تاکنون بیش از ۵ میلیون نفر واکسینه شده‌اند، فقط در دو مورد فوت افراد مُسن بعد از تزریق واکسن مشاهده شده است. پروفیسور «جانانان ون تم» معاون مسئول ارشد امور بهداشت و سلامت بریتانیا معتقد است که: «هیچ واکسنی تاکنون ۱۰۰ درصد موثر نبوده و در آینده نیز نخواهد بود. بنابراین هیچ تضمینی برای حفاظت کامل وجود ندارد».

به فکر کسب سود حداکثر بوده و خواهد بود، اظهار من الشمس است. وظیفه ما که در دنیای سرمایه‌داری زندگی می‌کنیم، مبارزه با پدیده سرمایه‌داری است و نه بازی با جان مردم و تشویق آنها به انصراف از زدن واکسن.

در همین ایران خودمان، طبق آمار موجود، واکسن های ۴ گانه دیفتری، کزاز، فلج اطفال و سرخک سالانه جان ۲ تا ۳ میلیون کودک را نجات می‌دهد. اما واکسن هراسی در دنیا باعث شده است که صدها هزار (به قولی یک و نیم میلیون) کودک در جهان جان خود را از دست بدهند.

تئورسین‌های توطئه در مورد مشخص واکسن کرونا معتقدند که «بیل گیتس» در نظر دارد با از بین بردن جان انسان‌ها از طریق واکسن کرونا ۱۵ درصد از جمعیت جهان را کاهش دهد! سازمان جهانی بهداشت هم از جانب این تئورسین‌ها متهم است که در نظر دارد از طریق واکسن کرونا جمعیت جهان را کاهش دهد! عده‌ای نیز معتقدند که واکسن‌سازان و رؤسایشان (سازمان جهانی بهداشت و بیل گیتس‌ها) می‌خواهند بر روی ژن افراد تأثیر دلخواه خود را گذارند. نظریه‌ای که تقریباً همه دانشمندان ژنتیک و ویروولوگ جهان آن را از اساس بی‌پایه و غیرعلمی می‌دانند! و بالاخره عده‌ای هم علی‌الاصول با وارد کردن هر نوع واکسنی به بدن خود مخالف‌اند و آنرا به زیان سلامت خود و کودکان و بستگان خود می‌دانند. قبل از هر چیز لازم به ذکر است که، جدا از مسأله روز واکسن کرونا، واکسن هراسی در دنیا سبب گشته است که یک میلیون و ۵۰۰ هزار کودک بر اثر ابتلا به بیماری‌هایی که واکسن آنها موجود است، جان خود را از دست بدهند. و اما ببینیم که عملکرد، هرچند ناچیز واکسن کرونا (نسبت به جمعیت) جهان تاکنون چه بوده و چه نتایجی به بار آورده است.

طبق آمار موجود (تا زمان نگارش این مقاله، ۳۰ بهمن ۱۳۹۹) به گفته دکتر «میشائیل رایان» از سازمان بهداشت جهانی و نیز آمار و ارقامی که از طرف کشورهای که کار واکسیناسیون را آغاز کرده‌اند، منتشر شده است، تا نیمه ماه جاری مسیحی (ژانویه) بیش از ۶۱ میلیون نفر در ۴۶ کشور واکسینه شده‌اند.

جهت اطلاع خوانندگان گرامی توفان الکترونیکی در زیر لیست ناقص تعداد افرادی را که در کشورهای مختلف واکسینه شده‌اند، منعکس می‌کنیم: اسرائیل: ۲/۳ میلیون نفر، امارات متحده عربی: ۲۵/۲ میلیون نفر، انگلستان: ۵/۵ میلیون نفر، آمریکا: ۵/۱۶ میلیون نفر، اسپانیا: ۱/۱ میلیون نفر، ایتالیا: ۲۸/۱ میلیون نفر، آلمان: ۴/۱ میلیون نفر، چین: ۹ میلیون نفر، روسیه: ۵/۱ میلیون نفر، لهستان: ۶۰۰ هزار نفر، اطریش: ۱۶۲ هزار نفر، رومانی: ۳۴۸ هزار نفر، کانادا: ۷۰۰ هزار نفر، بحرین: ۱۴۴ هزار نفر، دانمارک: ۱۸۵۷۰۰ نفر، ایرلند: ۱۲۲ هزار نفر، اسلونی ۴۸ هزار نفر، لیتونی: ۶۴۶۰۰ نفر، کشور آفریقای سیشل: ۱۳ هزار نفر، مالت: ۱۵ هزار نفر، استونی: ۲۲ هزار نفر، ایسلند: ۶ هزار نفر... علاوه بر اینها کشور هند نیز ۵/۱۶ میلیون دوز واکسن در اختیار ۳۰ مرکز تزریق واکسن (در درجه نخست) قرار داده

- «حقوق مایه‌ریالی، هزینه‌ها دلاری»
- «فریاد فریاد از این همه بیداد»
- «معیشت، منزلت، حق مسلم ماست» (حق داشتن زندگی مرفه و حفظ منزلت انسانی، حق مسلم ماست)
- و پلاکاردهایی تحت عنوان:
- «خط فقر ۹ میلیون تومان و حقوق ما، ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان»
- «افزایش با تورم حق مسلم ماست»
- «ما بازنشستگان تأمین اجتماعی اجرای صحیح ماده ۸۹ و ۹۶ را از سازمان تأمین اجتماعی خواستاریم»
- «عدم تبعیض بین بازنشستگان تأمین اجتماعی و کشوری و لشکری» و «اجرای کامل همسان‌سازی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی ماده ۹۶»
- «پرداخت میلیاردها تومان بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی از جمله صندوق تأمین اجتماعی»
- «واگذاری منابع صندوق‌های بازنشستگی از طرف دولت خیانت در امانت است!»
- «ارائه درمان رایگان و مکفی و خدمات رفاهی مناسب»
- «مشارکت در تعیین سرنوشت و تشکیل‌یابی آزاد و مستقل هستند»
- «اجرای دقیق طرح همسان‌سازی برای کارگران بازنشسته در کارهای سخت و زیان‌آور و پرداخت عیدی و پاداش آنها متناسب با حداکثر سال‌های کار سخت و زیان‌آور (۲۰ سال)»
- کارگران بازنشسته، که فشارهای طاقت‌فرسای اقتصادی کمر آنها را خم و بی‌عدالتی و تبعیض کرد به استخوان آنها رسانده، برای چندمین بار در یک سال اخیر دست به تجمع اعتراضی سراسری زده و خواسته‌های خود را به شکل مسالمت‌آمیز برای مسئولین کور و کر و بی‌شعور و دزد و فریبکار و دروغ‌گوی جمهوری اسلامی بیان داشتند؛ آیا مقامات جمهوری اسلامی باز هم می‌خواهند با دروغ و وعده و وعید با خواسته‌های به حق میلیون‌ها سالمند زحمتکش برخورد کنند؟ و یا اینکه چاقوهای خود را برای مقابله با یک انفجار انقلابی ناگزیر تیز خواهند کرد و تصور می‌کنند، می‌توانند مثل سال ۹۶ و ۹۸ کشتار درمانی را ادامه دهند؟ جنبش مطالباتی کارگران بازنشسته به همراه جنبش کارگران شاغل و کارگران بیکار شده و زحمتکشان شهر و روستا در تقابل با سیاست‌های ضد کارگری نئولیبرالیستی است که در راستای منافع انحصارات امپریالیستی می‌باشد و توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی به جمهوری اسلامی دیکته شده و در راستای منافع دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، نماینده بورژوازی بزرگ تجاری و مالی و بروکرات به اجرا درمی‌آید. هر پیروزی، ولو کوچک، گامی است به جلو در جهت پیشروی اهداف بزرگ‌تر. راه حل بنیانی و نهایی همه مصائب و مشکلات طبقه کارگر در نابودی نظام سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم است که بدون تشکل و حزبیت محقق نخواهد شد.
- وحدت و تشکیلات رمز پیروزی کارگران و زحمتکشان است.



«فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون!»

نگاهی به تجمعات با شکوه بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای مختلف کشور

بازنشستگان تأمین اجتماعی در روز سه‌شنبه ۷ بهمن ۱۳۹۹ بر اساس گزارش‌های منتشر شده، در ۱۱ استان و در شهرهای تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز، رشت، اهواز، سنج، کرمانشاه، نیشابور، شوش، دانیال، بجنورد، همدان، کرج، قم و اراک در مقابل ساختمان اداره کل تأمین اجتماعی و استانداری‌ها و فرمانداری‌ها برای چندمین بار تجمع و نسبت به سطح پایین مستمری خود اعتراض کردند. قبل از این تجمعات نیز در آذرماه با کاهش برخی محدودیت‌های مربوط به شیوع کرونا، هزاران نفر از بازنشستگان در دست کم هشت استان کشور دست به تجمع مشابه زده بودند. در تیرماه هم دور دیگری از تجمع‌های مشابه برگزار شده بود که همزمان با آن اتحاد سراسری بازنشستگان در بیانیه‌ای اعلام کرد: «درخواست بازنشستگان برای تجمع خیابانی علاوه بر نشان شجاعت و دلیری بازنشستگان شریف مملکت، نشان جان به لب رسیدن آنها تحت فشار هزینه‌های سرسام‌آور تورمی است». با شیوع بحران کرونا و تشدید فشار تحریم‌ها بر اساس آمار منتشر شده خط فقر یک خانوار چهار نفره به ۱۰ میلیون تومان رسیده، دست کم دو میلیون نفر بیکار شده‌اند و میزان مصرف گوشت، برنج و میوه در ۷۰ درصد خانوارهای بیکارشدگان به صورت چشمگیر کاهش یافته است. آمارهای رسمی نشان می‌دهند بیش از سه میلیون بازنشسته تحت پوشش صندوق بازنشستگی هستند. ۶۰ درصد این افراد یعنی حدود یک میلیون و ۸۰۰ هزار نفر جزو حداقل‌بگیران هستند. خط فقر در ایران در ابتدای پاییز امسال به ماهی ۱۰ میلیون تومان برای هر خانوار ۳ تا ۴ نفره رسیده اما بازنشستگان تأمین اجتماعی ماهانه فقط یک میلیون و ۷۰۰ هزار تا دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند.

با شعارهای: «فقط کف خیابون، بدست میاد حقمون»

بیماری و جان باختن بیش از ۵۷ هزار نفر از هموطنانمان بنابر آمارهای رسمی بوده‌ایم.

حال که بسیاری از کشورهای جهان و همسایه، واکسیناسیون کرونا را در چند هفته اخیر آغاز کرده‌اند، مجدداً بیم آن می‌رود که این مسأله حیاتی بازیچه جنجال‌ها و گروکشی‌های سیاسی در داخل یا خارج و یا تصمیمات غیرکارشناسی شود. اگرچه بدون شک، تحریم‌های غیرانسانی تحمیل شده علیه مردممان، در تشدید بحران فعلی نیز نقش موثری دارد اما عدم شفاف‌سازی در خصوص جزئیات اقدامات صورت گرفته برای تهیه هرچه سریع‌تر و بیش‌تر واکسن‌های معتبر و مشخصات آنها و همچنین تصمیم به اعمال محدودیت در خرید واکسن‌ها، نارضایتی‌ها و تردیدهایی در افکار عمومی در خصوص وجود اراده قاطع برای پایان دادن به این بحران در داخل بوجود آورده است.

بهداشت و درمان رایگان حقی همگانی است که در سایه مبارزات مردمی به رسمیت شناخته شده و در اصل ۲۹ قانون اساسی نیز بر آن تأکید شده است؛ ما با تکیه بر همان سنت مبارزاتی، با تبری از هرگونه خودرأیی و خرافه‌پرستی، معتقدیم حق تعیین سرنوشت جمعی مردم اصلی خدشه‌ناپذیر است و ضروریست بدون مداخله اصحاب قدرت، در هر جا به اندازه توان خود گامی برای تغییر این وضع به سمت همگانی شدن تصمیم‌گیری‌ها، خدمات و مسئولیت‌ها برداریم. لذا، ما امضاکنندگان این بیانیه، خواهان شفاف‌سازی در خصوص اقدامات انجام شده برای خرید و تولید واکسن‌های استاندارد و معتبر بدون ایجاد محدودیت‌های غیرعقلانی، آغاز هرچه سریع‌تر #واکسیناسیون_رایگان همگانی، توزیع عادلانه آنها طبق پروتکل‌های بهداشتی جهانی و با اولویت کادرهای درمانی، سالمندان و گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیرتر و نیز تأسیس #سامانه شفاف_واکسیناسیون برای اطلاع‌رسانی و فراهم شدن امکان نظارت عمومی بر نحوه تهیه، توزیع و تخصیص واکسن‌ها به افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف به دور از رانت و تبعیض هستیم».

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!



بیانیه ۴۸ تشکل دانشجویی پیرو مطالبه واکسن رایگان و حق بر سلامت عمومی

در زیر بیانیه مشترک تشکل‌های دانشجویی از دانشگاه‌های سراسر ایران از دانشگاه‌های تهران، اصفهان، شیراز، کرمانشاه، تبریز، اردبیل و ارومیه گرفته تا نوشیروان بابل و سایر دانشگاه‌های ایران..... را پیرو مطالبه واکسن رایگان و ناکارآمدی مسئولان سیاسی کشور و موضع‌گیری صریح و صحیح آن انتشار می‌دهیم و از اقدام متحد این دانشجویان حمایت می‌کنیم. به خاطر طولانی‌بودن امضای این بیانیه و محدودیت صفحات نشریه توفان الکترونیکی از ذکر اسامی انجمن‌های دانشجویی صرف نظر می‌کنیم و علاقمندان را به کانال تلگرام توفان رجوع می‌دهیم:

«حدود یکسال از شروع همه‌گیری کرونا و چالش‌های درمانی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن در جهان می‌گذرد؛ در این میان، مدیریت بحران کرونا در ایران از همان ابتدا با پنهان‌کاری همراه شد و برخلاف تعدادی از کشورهای نسبتاً موفق در کنترل کرونا که در اسرع وقت، تمهیدات سخت‌گیرانه‌ای برای اعمال قرنطینه‌های سراسری، ملی‌سازی تعرفه بیمارستان‌های خصوصی، تأمین مایحتاج ضروری اقشار فرودست، توزیع بسته‌های بهداشتی، تضمین امکانات آموزش مجازی رایگان، تعلیق اجاره‌ها و تخلیه اجباری مستأجران، تست‌گیری گسترده رایگان و اعطای بیمه بیکاری و مرخصی استعلاجی به کارگران واحدهای تولیدی غیرضروری اتخاذ کردند، تاکنون در اینجا شاهد تعلل و ناکارآمدی مسئولان در کنترل چشمگیر این



سخنی با جوانان

از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم، سرمایه‌داری صنعتی و رقابتی، وارد مرحله انحصاری یا امپریالیستی شد. امپریالیسم شکل جدیدی از ساختار اجتماعی - سیاسی نیست بلکه همان ساختار سرمایه‌داری و در ادامه آن، ولی بی‌رحم و هار و در حال گنبدگی است. در سال ۱۹۱۶ ولادیمیر لنین، اصول علمی آنرا در کتابی تحت عنوان «امپریالیسم - بالاترین مرحله سرمایه‌داری» تحلیل نمود. لنین، این انسان بزرگ و متفکر، پنج وجه مشخص و اساسی امپریالیسم را در این اثر خود تشریح کرد.

برای جلوگیری از اطاله کلام خیلی مختصر به دو مورد آن اشاره می‌کنیم.

اول؛ انحصارات مالی امپریالیستی، به جای تولید و صادرات کالا، سرمایه و پول صادر می‌کنند و از این طریق کشورهای وام‌گیرنده را به تسلیم و فلاکت وامی‌دارند.

دوم؛ برای تقسیم و تسلط کامل بر جهان و غارت ثروت‌ها، توطئه، خرابکاری، کودتا و جنگ‌افروزی را در دستور کارشان قرار می‌دهند. به سخن دیگر با جنگ‌افروزی، دست به تقسیم مجدد سرزمین‌های جهان می‌زنند. به عنوان نمونه می‌توان از جنگ کره، جنگ ویتنام، جنگ اول و دوم جهانی، جنگ و تجزیه یوگسلاوی، جنگ در سودان، در افغانستان، در عراق، لیبی، سوریه و یمن و انواع کودتاها در جهان نام برد.

خصلت ذاتی امپریالیست‌ها این است که با کشورهای مطیع، فقط تا آن زمان که تسلیم‌اند، «دوست و هم‌پیمان‌اند» و ابتدا به نوع رژیم‌های حاکم در این گونه کشورها کاری ندارند. حکومت‌ها چه فاشیستی، چه اسلامی سنی یا شیعه، نژادپرست و دیکتاتور، مرتجع و قرون وسطایی، سرکوبگر و آدمکش و چه سیاه، سفید، زرد باشند، هیچ توفیری برایشان ندارد. فقط تسلیم بلاشروط می‌خواهند و ثروت‌اندوزی و دگر هیچ!

حال اگر ممالکی باشند که نخواهند باج بدهند، بام تا شام در رسانه‌های نوشتاری و با سخن‌پراکنی در کانال‌های ماهواره‌ای‌شان، برای «دموکراسی، حقوق بشر، آزادی»

بچه‌درانی می‌کنند و دل‌شان برای مردم و مسلمانان این کشورها «کباب» می‌شود. برای اوغورها در چین، چچنی‌ها در روسیه و بهایی‌ها و غیر شیعی‌ها در ایران اشک تماش می‌ریزند! کاری به کشتار مردم و مسلمانان در افغانستان، عراق، لیبی، سودان، سومالی و یمن ندارند. اما به محض اینکه چنین کشورهای «یاغی و سرکش» تسلیم شوند، در آن حالت می‌شوند کشور دوست، دموکرات و جزو جامعه جهانی و «متمدن و آزاد»!!! مثل عربستان، امارات، مصر، اردن، برزیل، کلمبیا و ده‌ها کشور سرسپرده دیگر. سخن کوتاه اینکه سیاست استراتژیک امپریالیست‌ها، غارت مردم خود و ملت‌های دنیاست. بر این اساس آنها دشمن شماره یک بشریت و طبیعت هستند و تضادی آشتی‌ناپذیر با کارگران و زحمتکشان در ممالک خودی و از طرفی با خلق‌های تحت ستم جهان دارند. به واقع امپریالیسم پیش در آمد انقلابات سوسیالیستی در جهان است.

آقای «ژان ایو لودریان»، وزیر امور خارجه فرانسه، مثل بقیه همپالکی‌های فاشیست سیاه و یا سفید خویش در کشورهای امپریالیستی، ضمن موافقت با سرکوب خونین «جلیقه زردهای» فرانسه می‌گوید: «دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، پیامدهای ژئواستراتژیک و خیمی دارد!» اصل حرف‌اش این است که ایران با موشک‌های بالستیک‌اش، مزاحمی برای غارت نفت و گاز خاورمیانه است. آقای «لودریان» «سلاح هسته‌ای» را بهانه می‌کند. فقط نادانان حرف این مردک را باور می‌کنند. بعلاوه چرا داشتن سلاح هسته‌ای برای امپریالیست‌ها، از جمله فرانسه و صیهونسیت‌ها خوب است، ولی برای ایرانیان بد است؟! مشکل امثال او، سلاح موشکی و بالستیک ایران است که از اصابت موشک به «برج خلیفه» و غیره واهمه دارند و گرنه سال‌ها قبل توسط کفتارهای منطقه‌ای‌شان به سرزمین ما حمله نظامی شده بود. خانم «کامیلا هریس» سیاه‌پوست، معاون جو بایدن مودی، هنوز سوگند دروغ‌اش به گوش همگان نرسیده، ترجیع‌بند سخنرانی جدیدش را جمله «ما باید کنار ایزراییل بایستیم» انتخاب کرد. می‌گوید اگر ایران موشک به حزب‌الله داد، ما کنار «ایزراییل» هستیم - عین تلفظ خودش - «اگر حماس در قبال اشغال سرزمین‌شان و در دفاع از خود، فشفشه و راکت به «ایزراییل» پرتاب کند، [حتی با تیر کمان و فلاخن سنگ‌پرانی کند] ما در کنار «ایزراییل» می‌مانیم. ما باید علاوه بر کمک مالی ۳۸ میلیاردی، انواع سلاح‌ها را هم به «ایزراییل» بدهیم و الا آخر. با انتخاب «جو بایدن» سیاست مذاکره مجدد درباره برجام مطرح شد. آلمان، انگلیس و فرانسه هم از مذاکره دم می‌زنند. به عبارت دیگر همه امپریالیست‌ها، زیر قول‌شان زدند. هدف از مذاکره مجدد، تسلیم ایران و خلع سلاح موشکی است. کسانی که تن به چنین خیانتی بدهند و بخواهند ایران را تسلیم امپریالیست‌های جنایتکار کنند، به قول حافظ: «بر او نمرده به فتوای من نماز کنید». باید هوشیار بود ضمن مبارزه با ارتجاع داخلی دشمنان خارجی را فراموش نکرد و فریب تبلیغات آنها را نخورد.

سیاه‌نمایی عجیب شده است و تمامی نمایندگان و مباحثان نظم سرمایه دروغ‌گو هستند. اگر بخواهیم مثال بیاوریم به دروغ‌های رؤسای جمهور آمریکا و دیگر کشورها به پردازیم، مقاله طولانی خواهد شد. برای پرهیز از این کار، اشاراتی کوتاه به ادعای دروغین دموکراسی و حقوق بشرشان می‌کنیم.

اول اینکه در آمریکا، «پول» نقش اساسی در به اصطلاح استقرار «دموکراسی» دارد و نه رأی واقعی مردم.

دوم اینکه، فقر، بیکاری، اعتیاد، قتل و آدمکشی، نژادپرستی و فساد و رشوه‌خواری، که با حقوق بشر هیچ‌گونه قرابتی ندارند، در آمریکا بی‌داد می‌کند.

سوم اینکه، جامعه آمریکا با بیش از ۷۴ میلیون رأی «ترامپ» و ۷۸ میلیون رأی «جو بایدن»، عملاً دچار انشعاب گردیده و آینده نامعلوم و تاریکی در پی خواهد داشت.

چهارم اینکه، صنایع نظامی، انحصارات مالی، بانک‌ها و «وال استریت»، «گوگل» و «فیس بوک» و امثالهم همه کاره و تصمیم‌گیرنده اصلی سیاست و اقتصاد آمریکا هستند و نه نهادهای دموکراتیک و مردمی!

پنجم اینکه، طبق آمار موثق، فقط ده درصد مردم آمریکا مجلس نمایندگان، یا همان کنگره آمریکا را نهاد «دموکراتیک» می‌دانند و نود درصد بقیه مردم مشروعیتی برای این «نماد دموکراسی» قائل نیستند، درست عین مجلس شورای اسلامی ایران که عده‌ای با حداقل رأی، نمایندگان رانت‌خواران و مفسدان اقتصادی و سرمایه‌داران مفت‌خور شدند.

ششم اینکه، این چه دموکراسی و آزادی بیانی است که «ادوارد اسنودن» و «جولیان آسانژ»، این دو انسان نیک سرشت را به دلیل افشای اعمال غیرانسانی و غیر دموکراتیک دولت آمریکا و افشای جاسوسی و کشتار در عراق و شکنجه در زندان‌های «ابوغریب» و گوانتانامو، مورد اذیت و آزار قرار داده و حکم دستگیری‌شان را صادر می‌نمایند.

با سخنرانی‌های مکرر و تهوع‌آور از وجود «دموکراسی و حقوق بشر»، هیچ چیزی تغییر نخواهد کرد. به قول معروف، «با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمی‌شود». سطحی‌نگران بی‌مایه حتماً از «آزادی» در آمریکا دفاع خواهند کرد. البته از آزادی قمار در کازینوها، آزادی رقص و آواز در کاباره‌ها، آزادی در مشروب‌خواری و آزادی در سکس و غیره که صفت ولنگاری و هرزه‌گری شایسته آن است و نه آزادی!

و سخن آخر اینکه؛ دموکراسی و حقوق بشر و آزادی کجا و حضور ۲۵ هزار گارد مسلح برای حفظ مراسم سوگند دروغ کجا؟! استاد سخن «سعدی» در «گلستان» می‌گوید: «مُشک آن است که خود ببوید نه آنکه عطار بگوید. دانا چو طبله‌ی عطار است، خاموش و هنرنمای و نادان چو طبله‌ی غازی بلندآواز و میان‌تهی». دقیقاً به دلیل نبود دموکراسی و حقوق بشر، دولتمردان آمریکا، چون «طبله‌ی غازی» پر صدا و میان‌تهی‌اند!! و گرنه وجود عینی هر پدیده‌ای، چون آزادی، دموکراسی و حقوق بشر، همچون مُشک خود می‌بویند. •



اینهمه هیاهو برای چیست؟

سخنی کوتاه پیرامون ماهیت «دموکراسی آمریکائی»!

رسانه‌ها و کانال‌های ماهواره‌ای غرب و وابستگان و مزدبگیران‌شان در بیش‌تر کشورها، مدام در بوق و کرنا می‌دمند که مشکلات و گرفتاری‌های اخیر در آمریکا، از انتخاب «ترامپ»، به عنوان رئیس‌جمهور شروع شده و با دروغ‌هایش و دستور اشغال کنگره، «نهاد دموکراسی و حقوق بشری» کشور آمریکا را لکه‌دار کرد و بحران کنونی در آمریکا را باعث گردید. در مراسم مسخره «سوگند خوردن» یا همان کلمه مسخره‌ترش به نام «تحلیف»، ده‌ها بار، بلکه بیش‌تر، از کلمات «دموکراسی»، «حقوق بشر»، «تمدن و آزادی»، «جهان آزاد» و «سرزمین فرصت‌ها»، سخن گفتند!

«ویروس کرونا» هم همه آن نمایندگان و سگان هارامپریالیسم جنگ‌افروز آمریکا و حاضر در مراسم را پوزه‌بند زده بود! کسانی همچون «کلینتون‌ها» که «طالبان» را برای کشتار کمونیست‌ها، آزادیخواهان و ترقی‌خواهان و با همکاری امپریالیسم انگلستان و رژیم پاکستان سازماندهی کرده بودند، «جرج بوش» را که برای حمله نظامی به خاورمیانه و غارت نفت و گاز منطقه، «القاعده» را با کمک عربستان و امارات، پایه‌گذاری کرده بود، «باراک حسین اوباما»، این سیاه‌پوست مارموزی را که برای حمله به لیبی و سوریه، آدمکشان بین‌المللی «داعش» را با کمک فرانسه، انگلیس، اسرائیل و ترکیه و با پول عربستان، تجهیز و سازماندهی نمود و تحریم‌های سختی نیز علیه ایران وضع کرده بود. به اضافه بقیه فاشیست‌های مرد و یا زن، سفید و یا سیاه‌پوست حاضر در مضحکه تحلیف!! هر آن کس که قدری با تاریخ معاصر آشنایی داشته باشد، می‌داند که دروغ‌گویی و عوام‌فریبی فقط از «دونالد ترامپ» آغاز نشده است! بنیان و شالوده نظام سرمایه‌داری در جهان با دروغ و

متن بیانیه پایانی تجمع ۷ بهمن ۱۳۹۹

این بیانیه به شماره ۲۰۵۱۹۸ در دبیرخانه وزارتی وزارت کار، رفاه و تأمین اجتماعی، جهت اطلاع و پاسخگویی وزیر ثبت شده است.

سه‌شنبه، هفتم بهمن‌ماه، بازنشستگان تأمین اجتماعی با تجمع در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهران و همینطور در شهرهای، کرج، مشهد، اصفهان، تبریز و کرمانشاه و چند شهر دیگر نسبت به سطح پایین مستمری خود دست به تجمعات شکوهمندی زدند. شرکت‌کنندگان در این تجمعات شعارهایی از جمله «کشور ما رو گنججه، بازنشسته تو رنجه» و «اندوختمون کجا رفت، به جیب زالوها رفت» «فریاد فریاد از اینهمه بیداد»، «گرانی و تورم بالای جان مردم»، «وعده وعید کافیه، سفره ما خالیه» سر دادند. این تجمعات با توجه به فضای امنیتی و بگیر و به بندهای سرکوبگرانه و محدودیت‌های کرونایی بسیار موفقیت‌آمیز بوده است. این مبارزه زمانی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی را وادار به عقب‌نشینی خواهد کرد که علاوه بر ارتقاء سطح سازماندهی سراسری باعث تحریک و همبستگی و مورد حمایت سایر اقشار و طبقات فرودست، بویژه کارگران نیز قرار گیرد. رمز موفقیت مبارزه بازنشستگان، اتحاد و تشکل است. متن پایانی تجمع کنندگان را در زیر ملاحظه فرمائید:

ما بازنشستگان امروز در اینجا جمع شده‌ایم که یکبار دیگر با صدای بلند مطالبات قانونی و مشروع خود را به شرح زیر بیان کرده و خواهان اجرای فوری آنها شویم:

خواسته اصلی بازنشستگان :

- اصلاح متناسب‌سازی از ابتدای سال ۱۳۹۹ بر اساس افزایش نسبت همسانسازی بازنشستگان کشوری و لشکری از محل تتمه ۳۳ هزار میلیارد تومان و اضافه کردن بر پایه حقوق مستمری در حکم بازنشستگان
- دائمی نمودن قانون متناسب‌سازی در احکام و فیش حقوقی بازنشستگان

۱. براساس ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی، درصد افزایش حقوق بازنشستگان باید یکسان بوده و هر یک از این بازنشسته‌ها به تناسب پرداخت حق بیمه از افزایش حقوق برخوردار شوند؛ سازمان تأمین اجتماعی تا قبل از پایان سال ۱۳۹۹ مکلف به افزایش و ترمیم عقب‌ماندگی حقوق بازنشستگان همتراز با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های زندگی و خط فقر است که الان به ده میلیون تومان رسیده است، از ابتدای سال ۱۳۹۹ می‌باشد.

۲. سازمان تأمین اجتماعی طبق ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی مسئول تأمین درمان کامل بازنشستگان بیمه‌پرداز اجباری به طور مستقیم است و ما خواهان اجرایی شدن این ماده قانونی هستیم.

۳. ما خواهان اجرای بند (ب) ماده ۱۲ برنامه ششم توسعه اقتصادی هستیم که سازمان تأمین اجتماعی را مکلف به متناسب‌سازی حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران بر اساس افزایش هزینه زندگی و همانند بازنشستگان کشوری و لشکری می‌نماید، می‌باشیم.

۴. ما خواهان رفع تبعیض بین بازنشستگان همکار و غیرهمکار سازمان تأمین اجتماعی و لغو ماده ۶۹ آیین‌نامه استخدامی سازمان تأمین هستیم.

۵. ما خواهان پرداخت عیدی برابر با شاغلین کارگری به میزان ۲ ماه مستمری به بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی هستیم.

۶. سازمان تأمین اجتماعی مسئول اجرای وظایف حمایتی و دولتی از گروه‌های حمایتی نمی‌باشد. و باید هزینه‌های حمایتی از گروه‌های حمایتی را از دولت اخذ نماید و نباید از دسترنج بازنشستگان و شاغلان بیمه‌پرداز برای گروه‌های حمایتی هزینه گردد. لذا لازم است از اینگونه اهمال‌کاری‌ها جلوگیری شود.

۷. سازمان تأمین اجتماعی موظف است به وضعیت از کارافتادگان و مستمری‌بگیرانی که در شرایط سخت مالی به‌سر می‌برند و توان اداره امور خود و انجام شغل دیگری را ندارند، رسیدگی نموده و مشکل معیشتی و بیمه آنها را حل نماید.

۸. با اینکه در آذر ماه وعده داده شده بود که افزایش مستمری مشاغل سخت و زیان‌آور بابت ۴ درصد پرداختی، انجام می‌شود، اما اینکار صورت نگرفته و می‌بایست که بابت مشاغل سخت و زیان‌آور این افزایش صورت بگیرد.

۹. ما خواهان اجرای بند ج ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و پرداخت حق منطقه جنگی بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی در مناطق جنگی هستیم.

در پایان بر دو نکته می‌خواهیم تأکید کنیم :

یکم: هر گونه اظهارنظر غیرکارشناسانه و غیرقانونی از جانب برخی مسئولین و یا مجریان صدا و سیما در مورد حقوق بازنشستگان را محکوم کرده و از آنها می‌خواهیم در بیان مطالب دقت نظر لازم را مبذول کنند.

دوم: در صورتی که به خواسته‌های فوق ترتیب اثر داده نشود، حق تجمع و اعتراض مجدد برای بازنشستگان و مستمری‌بگیران محفوظ است. بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی

هفتم بهمن ماه ۱۳۹۹ •



همبستگی سراسری با مطالبات کارگران هفت تپه و خنثی کردن توطئه‌های مستمر رژیم اسلامی و کارفرمایان علیه کارگران پیشرو

«در رابطه با احضار کارگران به بی‌دادگاه جمهوری اسلامی و پرونده‌سازی قضایی علیه آنها»

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - در خارج از کشور اطلاعیه‌ای در مورد احضار ۲۸ نفر از کارگران هفت تپه به بی‌دادگاه جمهوری اسلامی در دیماه انتشار داده و پرونده‌سازی و توطئه علیه کارگران پیشرو را محکوم کردند. در زیر این اطلاعیه همبستگی با کارگران از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

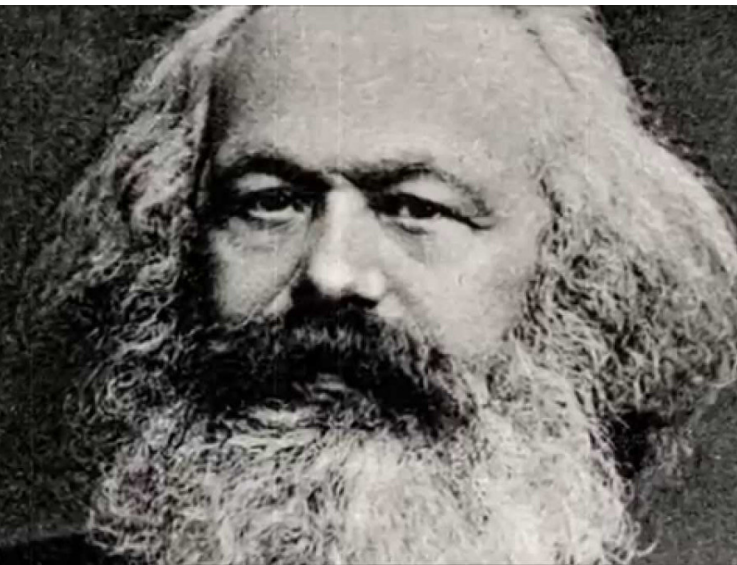
«طبق خبر سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، در پی شکایت امید اسدی، کارفرمای شرکت نیشکر هفت تپه، در تاریخ ۲۳ دیماه تعداد ۲۸ نفر از کارگران هفت تپه به بی‌دادگاه احضار شده‌اند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه‌ای ضمن دفاع از مطالبات کارگران هفت تپه احضار کارگران پیشرو و پرونده‌سازی قضایی علیه آنها را محکوم کرده است.»

ضروری است ما با اتحاد و همبستگی سراسری، ضمن دفاع از مطالبات بر حق کارگران هفت تپه این توطئه رژیم اسلامی و کارفرمای هفت تپه را نیز نقش بر آب کنیم. مطالبات کارگران

بیانیه کانون صنفی معلمان ایران (تهران) پیرامون واکسن کرونا و مطالبه واکسیناسیون فوری و فراگیر

پس از گذشت بیش از یکسال تحقیقات وسیع جهانی؛ خبر ساخت واکسن این ویروس، برای همه کشورها، خبری خوب و امیدوار کننده است. بسیاری از کشورها با بهره‌گیری از این واکسن در تلاش هستند هر چه سریع‌تر به روال عادی زندگی برگردند و دولت‌هایشان می‌کوشند تا با اقدامات برنامه‌ریزی شده و استاندارد؛ شهروندان خود را در مقابل این ویروس، واکسینه کنند. متأسفانه در ایران هنوز اقدام مؤثر و عاجلی برای خرید واکسن صورت نگرفته است. این اتفاق در حالی می‌افتد که دولت‌های دیگر و حتی شماری از کشورهای همسایه، با اقدامات کارشناسی شده توانسته‌اند خطر ابتلای شهروندان خود را به ویروس کرونا، کاهش دهند و روند واکسیناسیون شهروندان خود را آغاز کنند. خرید واکسن بیماری کووید ۱۹ از منابع معتبر یکی از اقداماتی است که می‌تواند از سوی همگان را در بهبود شرایط زندگی و سلامت مردم یاری دهد و از سوی دیگر، حاکمیت نیز با احترام به تصمیمات جهانی می‌تواند در جهت اجرای مهم‌ترین مسئولیت خود که همانا تأمین سلامت شهروندان است؛ به وظیفه خود عمل کند. وظیفه‌ای که متأسفانه سال‌هاست به آن ناقص عمل شده و گاه به فراموشی سپرده می‌شود، اما اجرای کامل آن در این روزها، برای جامعه حیاتی و لازم است. شایسته است دولت در این روزهای سخت بیش‌از پیش به فکر شهروندان، نیروی کار و بیش از همه اقشار آسیب دیده از بحران کرونا، باشد و به تصمیمات جهانی احترام بگذارد و در ریشه‌کن شدن هر چه سریع‌تر این بیماری در کشور؛ تلاش مضاعف خود را به کار گیرد. دولت موظف است با همکاری و همیاری سازمان بهداشت جهانی واکسن معتبر مورد نیاز مردم را از منابع مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی تهیه کند و به صورت رایگان در اختیار عموم مردم قرار دهد. شانه خالی کردن دولت و حاکمیت از این امر مهم تبعات جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت و بر دوش مردم، که متأسفانه در یکسال گذشته رنج‌ها و ناراحتی‌های بسیاری را تحمل کرده‌اند، باری از اندوه را تحمیل خواهد کرد. شکی نیست با در پیش گرفتن رویه‌های اشتباه این چینی، دیوار بی‌اعتمادی مردم از سیستم موجود هر روز از روز قبل بلندتر می‌شود و سطح نارضایتی از عملکرد مسئولان افزایش می‌یابد. کانون صنفی معلمان ایران (تهران) از متولیان امر می‌خواهد هر چه سریع‌تر واکسن معتبر و تأیید شده از سوی سازمان بهداشت جهانی را تهیه کند و به شکل رایگان در اختیار همه‌ی مردم قرار دهند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ۱/۱۱/۹۹



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریریه نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

شناخت

شناخت سیر انعکاس واقعیت عینی در مغز انسان و در عین حال نتیجه آن است. از واژه شناخت دو معنی مستفاد می‌شود: در معنی عام و جامع، شناخت واقعیت عینی است که در طول تاریخ بشر تکامل یافته است و از این پس نیز تا بی‌نهایت تکامل خواهد یافت و در معنای محدود و خاص، به شناخت این یا آن شیئی یا پدیده اطلاق می‌شود.

اصل اساسی شناخت که تمام تکامل تاریخ و بویژه تکامل علوم آن را تأیید می‌کنند، این است که شعور انسان قادر است واقعیت عینی را به درستی انعکاس دهد و بشناسد. فلسفه مارکسیسم جهان را شناختی می‌داند و در این امر هیچ‌گونه تردیدی به خود روا نمی‌دارد. نظر کانت درباره این که «شیئی به نفسه» (ماهیت) هرگز شناختی نیست و انسان فقط «شیئی برای ما» (نمود) را می‌تواند بشناسد، خلاف همه دست‌آورد‌های پراتیک تاریخی انسان و پیشرفت‌های علوم است. هیچ‌گونه شکاف عمیقی ماهیت و نمود را از یکدیگر جدا نمی‌سازد. انسان قادر است از نمود اشیاء و پدیده‌ها به ماهیت آنها پی‌برد و از شناخت «شیئی برای ما» به

هفت تپه و منجمله لغو خصوصی‌سازی، که در مبارزات و اعتصابات آنها به اشکال مختلف بیان شده است، خواست اکثریت جامعه، یعنی کارگران و معلمان و بازنشستگان و پرستاران و دانشجویان و بیکار شده‌گانی است که با عملکرد حاکمیت اسلامی سرمایه‌داران و سیاست‌های خصوصی‌سازی و رانت‌خواری و اختلاس، سطح معیشت آنها به درجات مختلف زیر خط فقر و تا حد فلاکت اجتماعی کشانیده شده است.

اتحاد و همبستگی کارگران هفت تپه و اعتصاب ۷۱ روزه آنها، که مورد پشتیبانی اکثریت جامعه قرار گرفت، توانست بسیاری از توطئه‌های رژیم و کارفرمایان را که به اشکال مختلف به تفرقه در میان کارگران دست زدند، خنثی کند. سرکوب و ضرب و شتم کارگران توسط نیروهای انتظامی، دستگیری و زندان و شکنجه کارگران، شوراها، اسلامی و همکاری عناصر ضد کارگری امثال رضا رخشان و فریدون نیکو فرد با کارفرمایان اسد بیگی و رستمی، گسیل دانشجویان بسیجی تحت نام «عدالت‌خواه» و «محور مقاومتی‌ها» در میان کارگران هفت تپه و غیره مانع از آن نشد که پرونده اختلاس اسد بیگی و رستمی گشوده نشود.

کارگران هفت تپه سالیان طولانی است که با صدای رسا اعلام کرده‌اند «کارگر هفت تپه‌ایم، گرسنه‌ایم گرسنه»، چه زمانی که شرکت از طریق دولت مدیریت می‌شد و چه از زمانی که به بخش خصوصی واگذار شده است. زمانی که هر گونه ایجاد تشکل توسط رژیم سرکوب می‌شود، کارگران هفت تپه با اتحاد و مبارزه مستمر خود سندیکای خود را ایجاد کردند و با اتکا به آن مبارزه خود را تا امروز به پیش برده‌اند. اکنون که بعد از تشکیل چند جلسه دادگاه فرمایشی، در نهایت رأی به نفع اسد بیگی صادر شد و خلع ید وی از هفت تپه صادر نشده است، روند اوضاع وارد مراحل دیگری شده است. از طرفی مطالبات اصلی کارگران بر زمین مانده است و از سوی دیگر و همزمان فشار بر مبارزه و مطالبه کارگران از طریق شکایت قانونی اسد بیگی و احضار و پرونده‌سازی برای کارگران پیشرو صورت می‌گیرد و در عین حال جناح‌های سرمایه‌داری از طریق دانشجویان باصطلاح «عدالت‌خواه» و «محور مقاومتی‌ها» در تلاش هستند تا ابتکار عمل مستقل و طبقاتی کارگران را از دست آنها بگیرند. دشمنان طبقاتی کارگران و اکثریت جامعه خوب تشخیص داده‌اند که شیشه عمر حاکمیت سرمایه‌داری در ایران با اتحاد و همبستگی طبقاتی خواهد شکست.

ما خود را جزیی از این مبارزه می‌دانیم و برای خنثی کردن توطئه جدید رژیم و کارفرما در احضار کارگران هفت تپه به بیدادگاه و تشکیل پرونده قضایی برای آنها در کنار سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و دیگر تشکل‌های اجتماعی هستیم و از هیچ اقدامی دریغ نخواهیم کرد».



facebook
TOUFAN.HEZBEKAR

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش

پرسش: به نظر حزب کار ایران، این حزب است که باید دیکتاتوری اعمال کند یا خود طبقه کارگر؟ مگر مانیفست کمونیست که توسط مارکس و انگلس نوشته شد، تاکید نکردند که کارگران باید خود قدرت را بدست گیرند؟

پاسخ: دوست عزیز، تمام آموزش مارکسیسم - لنینیسم تأکید بر نقش رهبری حزب بر طبقه کارگر دارد و دیکتاتوری پرولتاریا تنها از طریق اعمال این رهبری در سازمان‌های توده‌های توضیح داده می‌شود. لنین صراحتاً در اینباره چنین می‌گوید:

«روی هم رفته با یک دستگاه کشدار، نسبتاً وسیع و بسیار نیرومند پرولتری سر و کار داریم که رسماً کمونیستی نیست، ولی حزب به وسیله این دستگاه با طبقه و توده ارتباط کامل دارد و به وسیله آن دیکتاتوری طبقه، زیر رهبری حزب عملی می‌گردد» (به نقل از اصول لنینیسم ص. ۱۶۸). از رهبری حزبی این نتیجه را نمی‌توان گرفت که به جای دیکتاتوری پرولتاریا دیکتاتوری حزب و یا دیکتاتوری کمیته مرکزی و در ادامه آن دیکتاتوری دبیر اول حزب قرار دارد و بدین ترتیب رهبری حزب را در نقطه مقابل دیکتاتوری پرولتاریا گذاشت. حزب، رهبر، پیشوا و معلم طبقه کارگر است و بیان روشن و صریح خواست‌های طبقه کارگر است و اراده آنها را منعکس می‌سازد. لنین می‌گوید:

«به خودی خود چگونگی طرح مسئله دیکتاتوری طبقه؟ دیکتاتوری حزب، پیشوایان با دیکتاتوری (حزب) توده‌ها؟ دلیلی بر پریشانی و بن بست عجیب فکری است ... همه می‌دانند که توده مردم به طبقات تقسیم می‌شوند ... و طبقات معمولاً و در اکثر موارد و اقلاً در کشورهای متمدن کنونی از طرف احزاب سیاسی رهبری می‌شوند! و احزاب سیاسی بر حسب قاعده معمول از طرف گروه‌های کم و بیش ثابت از اشخاصی که صالح‌تر و صاحب نفوذتر و مجرب‌تر هستند و برای کارهای مسئولیت‌دار انتخاب شده و رهبر خوانده می‌شوند، اداره می‌گردند ... ولی اگر بخواهیم در این بحث به جائی برسیم ... که به طور کلی

شناخت «شیئی به نفس» دست یابد. چنانکه از تعریف مقوله شناخت برمی‌آید، شناخت مانند سکه دارای دو روی است. یک روی عینی و یک روی ذهنی؛ روی عینی شناخت، جهان مادی است که منبع شناخت است و در خارج از ذهن و مستقل از آن وجود دارد. جهان مادی پیش از آن که انسان بر روی کره زمین پدید آید و شناختی صورت گیرد، وجود داشته است. روی ذهنی شناخت، استعداد انسان در علم به جهان مادی است، در کیفیت و خاصیت مغز انسان به مثابه ابزار شناخت است. تأثیر اشیاء و پدیده‌های جهان مادی بر روی اعضای حواس انسان که به صورت احساس، ادراک و تصور تجلی می‌کند، سنگ بنای انتزاع و تعمیم است که انسان را به شناخت ماهیت این اشیاء و پدیده‌ها رهنمون می‌شود. با توجه به دو روی شناخت نخست این نتیجه به دست می‌آید که شناخت از لحاظ محتوی عینی است، اگرچه خود پدیده‌ای ذهنی است، پدیده‌ای ذهنی از این جهت که در ماوراء انسان شناخت مطلقاً مفهومی پیدا نمی‌کند. و سپس این نتیجه که شناخت جهان مادی و حتی شناخت یک شیئی، یک پدیده یا یک سیستم هیچگاه یکباره دست نمی‌دهد. شناخت، هر چه باشد، یک پروسه است و بنابر این نسبی است، نسبی به این معنی که تابع محدودیت‌های اجتماعی است. این محدودیت‌ها مربوط می‌شوند به اولاً به محدودیت ابزار و آلات تحقیقات علمی که پراتیک تولیدی باید در اختیار انسان قرار دهد و بدیهی است هر چه تولید تکامل بیش‌تری بیابد، و مسائل تحقیقات علمی کامل‌تر و دقیق‌تری در اختیار انسان می‌گذارد که به اعتلاء شناخت یاری می‌رساند. ثانیاً سطح «دانش بشری» هر بار باید گسترده‌تر و پهناورتر شود تا دسترسی به شناخت عمیق‌تر و تئوری‌های علمی جدید امکان‌پذیر گردد. نظریه داروین چنانچه سطح دانش در مسأله تبدل و تحوّل موجودات زنده به درجه معینی نرسیده بود، امکان بروز نداشت. تئوری نسبیت اینشتین بر پایه دست‌آوردهای علمی گوناگون بنا گردید. مارکسیسم بدون وجود یک سلسله معلومات و تئوری‌های علمی، فلسفی و اجتماعی امکان‌پذیر نبود و غیره. هیچ تئوری یا فرضیه یا قانون علمی ابتدا به ساکن از آسمان فرو نمی‌افتد. علم اساساً به نزول حقایق از آسمان‌ها معتقد نیست و هر تئوری یا فرضیه علمی ناگزیر مسبوق به سابقه است. تئوری جدید که بر پایه معلومات علمی موجود بنا می‌شود، التقاطی نیست، جمع جبری معلومات پیشینان نیست. مارکسیسم نیز چنین است. مارکس با کشف قوانین عام تحولات و تکامل جهان مادی (طبیعت و اجتماع) و کشف قوانین دنیای سرمایه‌داری، بنائی چنان عظیم برپا کرد که از هیچ طوفانی هر اندازه هم مخرب و ویرانگر باشد، آسیبی نخواهد دید. از زمان پیدایش مارکسیسم تاکنون حوادث تاریخی بسیاری روی داده که چهره جامعه را به کلی دگرگون ساخته‌اند، طی این دوران تئوری‌ها و مکاتب فلسفی و اجتماعی گوناگون پدید آمده که در بوته فراموشی و نیستی افتاده‌اند. اما پیشرفت و تکامل شناخت جهان مادی پیوسته آموزش مارکس را مورد تأیید قرار داده و تکامل می‌بخشد. نیروی حیاتی مارکسیسم در این است که حقیقت است و حقیقت را نمی‌توان به گل اندود.



با توفان همراه شوید

@TTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: مسئولین محترم حزب توفان اینهمه منفی نباشید، قدری هم از پیشرفت و توسعه رژیم گذشته بنویسید. آیا واقعا ایران در حال پیشرفت و توسعه نبود و انقلاب باعث متوقف شدن آن شد؟

پاسخ: دوست عزیز، ما بارها در همین صفحه «پرسش و پاسخ» به سؤال شما پاسخ داده‌ایم و اکنون نیز به طور مختصر بدان می‌پردازیم و امیدواریم به آمار رسمی و دولتی زمان رژیم پهلوی، که در زیر می‌آوریم توجه کنید و ذهنیت خود را در مورد اوضاع گذشته تغییر دهید و در مسیر صحیحی قرار گیرید.

ایران بنا بر آخرین آمار در دیماه ۱۳۵۷، یکماه قبل از انقلاب بهمن، یکماه قبل از سرنگونی رژیم شاه، ۵۵ تا ۶۰ درصد مردم در روستاها زندگی می‌کردند و فقط ۳ درصد مردم روستاها دارای برق و آب بودند.

۹۷ درصد زنان روستایی بی‌سواد بودند. در کل جامعه ایران ۶۰ درصد بی‌سواد بودند و برخی از روزنامه‌های رسمی حتا رقم ۶۷ درصد را منتشر کردند!

۴۵ درصد مردم طبق استاندارد سازمان جهانی تغذیه و بهداشت، زیر خط فقر بودند. این در حالی است که در آن زمان حدود ۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کردیم! ایران در همان سال‌ها یکی از بزرگ‌ترین واردکننده سلاح و کالاهای بُنجل مصرفی از آمریکا بود.

در عرصه فرهنگی، آزادی بیان، اندیشه و قلم، ایران یکی از مستبدترین کشورهای جهان بود و روح و جان مردم تحت سلطه مطلق و چنگال شاه و ساواک سانسور و شدیداً سرکوب می‌شد. حتی خواندن یک کتاب داستان ساده از صمد بهرنگی جرم محسوب می‌شد و کتابخوان جایش در زندان بود. حزب فرمایشی رستاخیز، نماینده رسمی و مستقیم شخص شاه بود و

دیکتاتوری توده‌ها را با دیکتاتوری پیشوایان در مقابل یکدیگر قرار دهیم، سفاقت و مفت‌گویی خنده‌آوری است» (نقل از اصول لنینیسم ص. ۲-۱۸۳).

تنها رهبری حزب طبقه کارگر قادر است که انرژی بی‌پایان توده‌ها را برای پیکار عظیم و دوران‌ساز کنونی رها ساخته و به تخریب دنیای ستم بکشانند. انگلس نیز حاکمیت حزب را از حاکمیت طبقه کارگر جدا نمی‌داند و در مورد حزب آلمان می‌نویسد:

«حزب طبقه کارگری سوسیال دموکراتیک آلمان از آنجا که حزب طبقه کارگر است، لزوماً «سیاست طبقاتی»، سیاست طبقه کارگر را اعمال می‌کند و چون هر حزب کارگری از این مبدا برمی‌خیزد که حاکمیت را در دولت تصرف کند، حزب کارگری سوسیال دموکراتیک آلمان نیز خواستار حاکمیت خود، حاکمیت طبقه کارگر و بدین قسم حاکمیت طبقه است» (درباره‌ی مسکن).

متأسفانه از آنجا که عده‌ای از جریان‌ات سیاسی مدعی «کمونیسم» اصول و مبانی لنینیستی و حزیت را سال‌هاست نفی کرده‌اند، می‌خواهند سوسیالیسم را تنها در ذهن خود بنا کنند. سوسیالیسم

این جریان‌ات سوسیالیسم طبقاتی و دیکتاتوری پرولتاریا نیست، سوسیال دموکراتیک و دیکتاتوری بورژوازی در لباس سوسیالیسم است. چنین جریان‌اتی ملقمه‌ای از همه چیزند، از آنارشیسم گرفته تا ترسکیسم، اکونومیسم و رویزیونیسم و تزلزلات اپورتونیستی

و ضدحزبی فراکسیون‌ساز و شعار همه با هم برای اتحاد بزرگ سوسیالیستی! اینان چه اروپایی، اوروکمونیسم‌اند، یعنی ضد

لنینیسم و دیکتاتوری پرولتاریا و مداح بورژوازی‌اند. در گذشته نیز کائوتسکی و شرکای او در انترناسیونال دوم و همچنین کسانی که بعدها در حزب بلشویک اندیشه‌های او را راهنمای

خویش قرار دادند، در کنار آنارشیست‌ها و اپورتونیست‌های کهنه‌کار دیگر عیناً همین افتراعات را به حزب بلشویک نسبت داده‌اند و رهبری حزب را دیکتاتوری حزب علیه کارگران و علیه

دموکراسی و علیه رشد مبارزات سیاسی می‌خواندند. دوست عزیز! این روزها بسیاری از جریان‌ات «چپ» در موضع

ضدیت با حزیت سقوط کرده‌اند و همه هم و غم‌شان شعار «اداره شورایی و حکومت شورایی» است و به شدت با تشکل‌یابی حزبی

دشمنی می‌ورزند. حزب‌ستیزی و تبلیغ شعار بی‌حزبی، شعار بورژوازی است تا کارگران را خلع سلاح کند. شوراها بدون

رهبری حزب کمونیست، یعنی ارتش پرولتاریا بدون رهبری، بدون فرمانده، بدون مغز متفکر. یعنی همین شوراها‌ی اسلامی

کارگران فریب‌خورده‌ای که در روز اول مه علیه کارگران افغانستانی در سال‌های اخیر شعار داده‌اند و یا در بهترین حالت سوسیال دموکراتیک اروپایی که پرچم مخالفت با مهاجرین را

برافراشتند. مارکس نام برنامه کمونیست‌ها را مانیفست «حزب» کمونیست گذاشت تا چراغ راهنمای کمونیست‌ها و همه رهروان

رهایی طبقه کارگر باشد. وگرنه می‌توانست نام مانیفست را «مانیفست کارگران» بگذارد و از حزب و حزیت سختی به میان نیاورد تا باب میل آنارشیست‌های ضد حزبی شود. کسی که پرچم مبارزه علیه حزیت را برافرازد دشمن مارکسیسم - لنینیسم است و ربطی به کارگران ندارد. هیچ انقلابی بدون رهبری حزب کمونیست به پیروزی نمی‌رسد و محکوم به شکست است. •

با گروه‌ها و جریانات سیاسی بر سر مطالبات مشترک امروز یا فردا نمی‌باشد. ما تاکنون با حفظ استقلال سیاسی خود در زمینه‌های مختلف همکاری‌های مختلفی را در ایران و خارج انجام داده‌ایم و امروز نیز طبق برنامه حداقل زیر با جریانات سیاسی خواهان همکاری مشترک هستیم:

نخست اینکه باید از مبارزه عادلانه مردم، بویژه کارگران و زحمتکشان برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی و عدالت اجتماعی مستقلانه دفاع کرد و با آن ابراز همبستگی نمود و برای حفظ تمامیت ایران و اتحاد همه آحاد ملت کمر همت بست:

- ما رژیم ایران را سد راه تحولات دموکراتیک در ایران دانسته و به این جهت خواهان سرنگونی این رژیم بدست مردم ایران هستیم.
- ما از حق ایران در غنی‌سازی اورانیم حمایت می‌کنیم.
- ما از حق دموکراتیک و مساوی همه ملت‌ها و دولت‌ها صرف نظر از نژاد، مذهب، رنگ پوست، ایدئولوژی و نوع حکومت آنها در مراجع جهانی حمایت می‌کنیم.
- ما تهدید به تجاوز علیه ایران را مغایر موازین جهانی و منشور سازمان ملل می‌دانیم و با آن مخالفت می‌کنیم و متعلق به جبهه ضد جنگ و تحریم هستیم.
- ما از مبارزات طبقه کارگر برای بهبود شرایط زندگی خویش حمایت می‌کنیم.

دوم اینکه در بین مخالفان جمهوری اسلامی نظر دیگری

نیز وجود دارد که مدافع دخالت خارجی برای سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق تحریم‌های کمرشکن و حمله نظامی به ایران است. پیامد این اقدام بدون شک نابودی ایران و تجزیه میهن ماست. همه ایرانیانی که دل در گرو مردم و میهن دارند موظف‌اند در کنار هم در یک صف واحد دمکراتیک، ضد رژیم و ضد امپریالیستی گرد آیند و متحداً برای استقرار یک جمهوری مردمی و مستقل پیکار نمایند. در این صف نیروهایی نظیر سلطنت‌طلبان، شورای‌گذار، فرقه رجوی و احزاب ناسیونال شوونیست تجزیه‌طلب کرد و عرب و بلوچ و آذری، که سر در آخور اجانب دارند، جایی نخواهند داشت. باید صف دوستان و دشمنان مردم را از هم تمیز داد و از مداخلات ضدبشری قدرت‌های امپریالیستی و ویرانی ممالک عراق، لیبی، سوریه، افغانستان و یمن ... درس عبرت گرفت و مردم ایران را از تکرار چنین سناریوهای فاجعه‌باری، که در قالب «حقوق بشر و دمکراسی» صورت می‌گیرد، آگاه و بر علیه اینگونه تبلیغات استعماری و مسموم مبارزه نمود. راه دیگری متصور نیست! اینهاست خطوط کلی و دمکراتیک حزب ما برای همکاری‌های مشترک.

- با ما در تماس باشید، برایتان موفقیت آرزو می‌کنیم.

آزادی احزاب محلی از اعراب نداشت. از اینرو انقلاب بهمن برآمدی علیه چنین نظم عقب‌مانده‌ای بود و مردم به درستی شاه و رژیم‌اش را هدف گرفته بودند. انقلاب برای بهبود شرایط زندگی مردم و آزادی و دمکراسی و استقلال بود و نه استبداد مذهبی و گسترش فساد و رانت‌خواری و تباهی. علل شکست انقلاب را باید در ضعف نیروهای آگاه بویژه حزب طبقه کارگر، که همواره مورد سرکوب و پیگرد رژیم ارتجاعی پهلوی بودند، دید. از اینرو هر انقلابی که رهبری صحیح و انقلابی نداشته باشد، مورد دستبرد نیروهای واپسگرا قرار خواهد گرفت و دچار شکست خواهد شد. در مبارزه اجتماعی پیروزی و شکست وجود خواهد داشت، اما سرانجام خلق‌های پیروز خواهند شد و جامعه را به جلو سوق خواهند داد. امیدواریم بیش تر تعمق کنید و در افکارتان تجدیدنظر نمایید.

پس سخن از توسعه و تمدن و افسوس گذشته را خوردن یا از سر استیصال و نادانی است و یا کسی که آگاهانه دست به چنین تحریفاتی می‌زند، مزدبگیر شبکه‌های خودفروخته خارجی و حامی امپریالیسم است. دوست عزیز، نفرت از مار غاشیه نباید ما را به تنگ عقرب جرار سوق دهد که نیش زهرش کم تر از آن نیست! هوشیار باشیم، مستقل و با اتکا به نیروی خودمان با نیروی داخلی استبداد و ارتجاع را براندازیم و بر سرنوشت خود حاکم شویم! موفق باشید!

پرسش: دوستان محترم توفان! حزب شما چه راه حلی را امروز برای همکاری گروه‌های سیاسی پیشنهاد می‌کند. مردم با چه شناختی از میان این همه سازمان‌ها و احزاب که هر کدام‌شان ساز خود را می‌زنند، راه درستی را انتخاب کنند. یکدست که امروز صدا ندارد، ممنون میشم به سوال من که با انگیزه دلسوزانه و میهن‌دوستانه است، توجه کنید!

پاسخ: دوست عزیز، بسیار سپاسگزاریم از پرسش صمیمانه‌تان. پرسش شما، پرسشی منطقی و پرسش همه مردم ایران است. بدون کوچک‌ترین شک و تردیدی رژیم فاسد و تبهکار جمهوری اسلامی باید برود. اما همانطور که حزب ما بارها تأکید کرده است اختلاف اساسی بر سر چگونگی رفتن این رژیم و جانشینی آن است. از اینرو ما بر سر مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و روشن کردن صف دوست از دشمن و متحدشدن نیروهای اپوزیسیون چند نکته اصولی را طرح کرده و بارها سخن گفته‌ایم. شکی نیست که راه حل نهایی جامعه سرمایه‌داری ایران حل تضاد کار و سرمایه است، یعنی استقرار سوسیالیسم. این برنامه استراتژیک حزب ماست که به طور روشن و شفاف در برنامه حزب تدوین و منتشر شده است. لیکن این امر به هیچ وجه مانع همکاری حزب ما



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
POSTBANK						
bank code 20110022						
bank account No.: 2573 3026 00						
IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00						
P.O. BOX 1138						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						